

جلسه اول و دوم: روش تحصیل عمیق حوزوی

Saturday, November 11, 2017

12:23 AM

روش تحصیل عمیق حوزوی؛ نظام مباحث مسیر و علوم حوزوی

آیه ی نفر، آیه ی ۱۲۲ سوره توبه:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿۱۲۲﴾

و (هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد) نباید مؤمنان همگی بیرون روند (و رسول را تنها گذارند) پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند. اشاره به کوچ تحصیلی برای آموختن علم

آیه ی ۱۸ سوره ی سبأ:

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا أَسِيرًا سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ﴿۱۸﴾

حدیثی از حضرت حجت عجل الله تعالی که این آیه را تفسیر می کند:
نحن والله القرى التي بارك الله فيها و انتم القرى الظاهره

مخاطب این حدیث علمای شیعه بودند. علما همان منازلی هستند که مردم را به سمت حضرت سیر می دهند.

در سال ۱۳۰۰ شمسی که علمای قم از شیخ عبدالکریم حائری خواسته بودند که در قم همانند این حدیث را برای ایشان خوانده بودند:

امام صادق علیه السلام؛ بحار جلد ۶۰ ص ۲۱۳:

روي بأسانيد عن الصادق (ع) أنه ذكر كوفة و قال: ستخلو كوفه من المؤمنين و يأزر عنها العلم كما تأزر الحية في جحرها، ثم يظهر العلم ببدة يقال لها قم، و تصير معدنا للعلم و الفضل حتى لا يبقى في الأرض مستضعف في الدين حتى المخدرات في الحجال، و ذلك عند قرب ظهور قائمنا، فيجعل الله قم و أهله قائمين مقام الحجة، و لولا ذلك لساخت الأرض بأهلها و لم يبق في الأرض حجة، فيفيض العلم منه إلى سائر البلاد في المشرق و المغرب، فيتم حجة الله على الخلق حتى لا يبقى أحد على الأرض لم يبلغ إليه الدين و العلم، ثم يظهر القائم (ع) و يسير سببا لنقمة الله و سخطه على العباد، لان الله لا ينتقم من العباد إلا بعد إنكارهم حجة :
از حضرت امام صادق (ع) روایت شده که حضرت ضمن یادى از كوفه فرمود: به زودى كوفه از وجود مؤمنان خالى مى شود و علم از آنجا پنهان مى شود همچون پنهان شدن مار در سوراخش، سپس علم در شهری ظاهر مى شود که به آن قم مى گویند، آن شهر معدن علم و فضل مى شود تا جایی که در روی زمین، مستضعفی در دین باقی نماند حتی زن ها در حجله ها، و این در ظهور قائم ما خواهد بود. پس خدا قم و اهل آن را قائم مقام حجت قرار مى دهد و اگر آن نباشد زمین اهل خود را به کام خود فرو مى برد و در روی زمین حجتى باقی نماند و از آن، علم به سایر شهرها در مشرق و مغرب روان مى شود. پس حجت خدا بر مردم تمام مى شود تا جایی که کسی در روی زمین نماند که دین و دانش به او نرسیده باشد از آن پس قائم علیه السلام ظهور مى کند و موجب نقت و خشم الهی بر بندگان مى شود، زیرا خدا از بندگان پس از آنکه حجت را انکار کردند انتقام مى گیرد.

کتاب انقلاب مهدی شهید مطهری درباره ی قم را مطالعه کنید. این ها وظیفه ی طلبه را سنگین مى کند. این ماموریت لوازمی دارد.

موضوع کلاس تحصیل عمیق حوزوی است که در دو باب مطرح می شود: یک باب مسیر حوزوی؛ و یک باب علوم حوزوی.

در باب مسیر حوزوی

باب اول ناظر به قواعد و ملاک هایی است که کمک می کند از **مسیر اصلی حوزوی** منحرف نشویم. لذا باید یک سری قواعد را بیاموزیم. مثلا باید سیره علمی علمای بزرگ را، زمانی که مشغول تحصیل بودند، مطالعه کنیم. بگردیم ببینیم زندگی طلبگی شان چگونه بوده. ببینیم چه قواعد عامی می توانیم به دست بیاوریم. آیات و روایاتی که ناظر به چگونگی تحصیل علم برای ما است را ببینیم. مطالعه سرگذشت کسانی که در مسیر طلبگی بودند و عاقبت بخیر نشدند.

آیه ی ۱۷۵ سوره ی اعراف:

وَأْتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَآسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾

داستان بلعم بائورا که عالم و زاهدی بود در زمان حضرت موسی علیه السلام که مرتبه ی استجابت دعا داشت. با این حال عاقبت بخیر نشد. آیه ای برای عبرت ما طلبه ها:

وکلاى امام موسى كاظم عليه السلام که با طولانی شدن زندان امام، امامت را انکار کردند و مورد لعن امام رضا علیه السلام قرار گرفت.

در زمان معاصر هم علمای زیادی بودند که منحرف شدند. **آیت الله شریعتمداری** که مرجع تقلید بوده و راضی شد چهاران را مباران کنند و با کودتا همکاری کند و راضی بشود امام را بکشند. یا **شیخ علی تهرانی** از شاگردان امام خمینی ره بود. عالم بزرگی بود که با صدام همکاری کرد و موقع جنگ به عراق پناهنده شد و ضد جنگ سخنرانی می کرد.

کتاب **جهاد اکبر (جهاد با نفس)** امام را بخونید || کتاب **بازگشت از نیمه ی راه ...** مولفش را می شناسم. مولف کتاب چهل تدبیر. || کتاب **جریان ها و سازمان ها ...** مولفش رسول جعفریان برای قبل از انقلاب. قبل از مشکلاتی که مولفش پیدا کرده هست. || **منشور روحانیت** امام را مطالعه کنید.

در باب علوم حوزوی

سبک تحصیلی چند لایه ای مخصوص حوزه است. اهداف دور اول با دور دوم چیه؟ مثلا سال اول حوزه باید دنبال چه اهدافی باشیم و سال دوم دنبال چه اهدافی؟

آیت الله ری شهری موسسه ای دارند به نام **دارالحدیث** که از نظر تحقیق و تتبع در احادیث در دنیای شیعه تقریبا بی نظیره. **کتاب علم و حکمت** آقای ری شهری شامل مجموعه ی کاملی از احادیث درباره ی علم و علم آموزی است. روایاتش رو بخونید و تأمل کنید روش.

مثلا عمیق خواندن احکام یعنی چه؟ برای هر علمی باید بدانید آن علم برای چه منظوری در حوزه خوانده می شود؟ یا به عبارتی دیگر آیا اهداف عمومی که در حوزه خوانده می شود با اهداف آن در جاهای دیگر یکی است؟ **بین اهداف عمومی یک علم و اهداف حوزوی آن علم فرق هست.** برای فقه سه مرحله ی، فقه غیر استدلالی، فقه نیمه استدلالی و فقه استدلالی پیش روی طلبه خواهد بود. علم منطق یک زبان محتوایی است برای علوم مقصد حوزوی. هدف خاص منطق در فقه و اصول و فلسفه است.

اصول فلسفه و رئالیسم که اصلش برای علامه طباطبائی و شرحش برای استاد مطهری است. کتاب رحیق مختوم آیت الله جوادی آملی شرح اسفار ملاصدرا است.

جلسه سوم: گزارش سالهای طلبگی بزرگان

Tuesday, January 9, 2018

8:52 PM

مقدمه:

در ابتدای بحث لازم است نقشه ای جامع از ابعاد مختلف طلبگی داشته باشیم، زیرا در غیر این صورت، در یک بُعد متمرکز شده و از سایر ابعاد، که مورد تأکید بزرگان هم هست، غافل می شویم. به عنوان مثال، طلبه باید به بعد اخلاقی هم توجه کند و استاد اخلاق داشته باشد، زیرا اخلاق چیزی نیست که خود به خود اصلاح شود. بعد دیگر، شناخت صحیح از زمان است که میتوان به آن بصیرت گفت. در این مورد، حضرت آقا میفرمایند، از قدیم گفته اند که طلبه با علم و تقوا به اوج میرسد اما ایشان در ادامه تأکید میکنند که اگر طلبه ای این دو را داشت و بصیرت نداشت، خطرناک خواهد بود. آن عرصه ای از زندگی طلبه که ما در این جلسات وارد آن خواهیم شد، عرصه علمی است، اما باید توجه کنیم که به سایر ابعاد طلبگی هم باید در جای خود، پرداخته شود.

هنگام ورود به ساحت علمی، باید سه سرفصل را مورد مطالعه قرار دهیم، این سه سرفصل عبارتند از:

1. تصویری کامل از علوم و دروس حوزوی (کمالات حوزوی)؛ سنت دروس حوزوی چه بوده است؟ غیر از این علوم، ابعاد دیگر طلبگی، یعنی خدمات های دیگری که طلبه می تواند داشته باشد، چه از نظر علمی و چه از نظر خدمتی که می تواند انجام دهد.
2. تصویری واضح از برنامه عملی حوزه؛ به این معنا که هر درسی در چه بازه ای خوانده می شود، چه دروسی خوانده نمی شود.
3. خودشناسی از میزان توانایی و استعداد های خود؛ ما باید میان خودمان و زمانه خود، هماهنگی و جمع ایجاد کنیم به این معنا که هم دغدغه علمی و اخلاقی و داشته باشیم و هم اینکه در اجتماع مفید باشیم. بین صالح بودن با مصلح شدن باید جمع ایجاد شود. در این مسیر خوب است و باید مشورت گرفته شود و علی الخصوص مشورت های مکتوب.

معرفی کتاب در مورد روش تحصیل و زی طلبگی:

1. راه و رسم طلبگی، عالم زاده نوری،
2. کتاب های عبدالحمید واسطی (راهنمای تحصیل، راهنمای تحقیق و ...)، کتابهایی با زبان دشوارتر است؛
3. کتاب صراط (هدایت تحصیلی طلاب) نوشته آقای علیدوست،
4. ارجحیت این کتاب این است که خود این فرد در حوزه شناخته شده است و اکثریت ایشان را تأیید می کنند و اطرافیان هم ایشان را به تعادل طلبگی می شناسند.
4. صحبت های حضرت آقا راجع به طلبه مطلوب بسیار مفید است. کتاب سیمای آرمانی طلبه، نوشته آقای عالم زاده نوری که بر اساس صحبت های رهبری است.
5. کتاب حوزه و روحانیت از نگاه رهبری است که بر اساس بیانات رهبری است،

6. **مجله خط و اینگونه مجلات هم به علت به روز بودن مناسب است.** شماره ۹،
7. **مجله عهدنامه هم در مورد این بحث فعالیت کرده است.**

سیره علمی بزرگان حوزوی:

در این بخش از جلسه، به بیان سیره عملی و زندگی‌نامه علمای بزرگ حوزه میپردازیم. به زندگی این بزرگان باید با این دید نگاه کنیم که این بزرگان در عصر حاضر، اسلام را احیا کرده اند و روند کلی زندگی آنها مورد اعتنا است. البته منظور ما تأیید تمام رفتارهای ایشان نیست.

بعضی از طلاب هستند که ۸۰ درصد دروس حوزوی را نمیخوانند و روش آنها به این صورت است که دروس را به شکل آزاد میخوانند. اما ما میگوییم که شجره علمی حوزه به صورت سلسله وار متصل به حضرت است و نباید ما با این شجره، تطابق حداقلی داشته باشیم. مثلاً فقط یکی دو کتاب حوزوی را خوانده باشیم.

۱. زندگی امام خمینی (ره)

برای جمع آوری زندگی‌نامه حضرت امام توسط بنده زحمت زیادی کشیده شده است زیرا عموماً آنچه در مورد ایشان مطرح شده است، بعد سیاسی بوده است. امام خمینی (ره) در سال ۱۲۸۱ شمسی به دنیا آمد. ایشان یک زندگی‌نامه مجمل خودنوشت دارند. در صحیفه ج ۱۹ ص ۴۲۶ توسط خود ایشان این زندگی‌نامه در دسترس است و تاریخ تولد خود را در آنجا این تاریخ بیان کرده اند. ایشان در ۴ ماهگی پدر را از دست می دهند و در سال ۱۲۹۶ در ۱۵ سالگی، تحصیلات مرسوم مدرسه ای ایشان تمام می شود. ایشان چند سال مکتب رفته اند و چند سال مدرسه مرسوم بوده اند و از ۱۵ سالگی تحصیلات حوزوی را شروع کرده اند. ۳ سال در خمین مقدمات (صرف و نحو و ..)، منطق و سیوطی و قدری هم مطول را خوانده و در سال ۱۲۹۹ به حوزه علمیه اراک می روند. حوزه اراک در سال ۱۲۹۲ توسط آیت الله حائری راه اندازی شده است. ایشان مؤسس حوزه قم هستند و قبل از قم، حوزه اراک را تأسیس کرده اند.

امام ۲ سال در این حوزه ماندند، یعنی تا نوروز سال ۱۳۰۱ و در این مدت ادامه منطق و ادامه مطول و ادبیات و قسمتی از لمعه را خوانده اند. در سال ۱۳۰۱ آیت الله حائری سفری به قم به منظور زیارت حضرت معصومه انجام می دهند. در این سفر تعدادی از حوزویان روایات اهمیت قم را برای ایشان بازخوانی کرده و اصرار می کنند که حوزه قم را تأسیس کنند. ایشان هم در قم می مانند و حوزه قم تأسیس می شود. آیت الله حائری از نظر علمی بسیار قوی بوده است و به خاطر وجود ایشان، تعداد زیادی از علما و اساتید به قم مهاجرت می کنند.

امام هم در همین سال به قم مهاجرت می کنند. ایشان در سن ۲۰ سالگی، یعنی بعد از ۶ سال، دروس سطح را تکمیل کرده و مطول و لمعه را به صورت کامل می خوانند.

در ادامه دورس رسائل و مکاسب و کفایه را تا ۱۳۰۷ تکمیل می کنند و با استادی که نزد ایشان در مکاسب خوانده اند به پای درس خارج آیت الله حائری می روند. همان طور که مشاهده می شود، در آن زمان هم به صورت طبیعی، خواندن دروس قبل از درس خارج، ۱۰ سال طول می کشیده است و این در حالی است که در آن زمان به میزان فعلی، تعطیلی هم وجود نداشته است. ما هم اکنون به طور متوسط یک سوم سال سر کلاس می رویم یعنی ۱۰۰ تا ۱۲۰ جلسه و مقدماتی ها حدوداً ۱۴۰ تا ۱۷۰ جلسه است. اما قدیم این طوری نبوده است. بنابراین می توان گفت ۱۰ سال تحصیل در آن دوران، معادل ۲۰ سال درس خواندن امروزی بوده است.

ایشان از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۵ در درس خارج آیت الله حائری شرکت کرده اند و به گفته خودشان، درس خارج دیگری هم شرکت نکرده اند. بعد از فوت آیت الله حائری درس های مراجع ثلاث، به مدت ۹ سال ادامه پیدا می کند. آیات ثلاث عبارتند از: آیات عظام حجت، صدر و خوانساری. اما امام درس خارج ایشان را شرکت نمیکرده است در سال ۱۳۲۹، یعنی همان سالی که آیت الله بروجردی وارد قم شده است، امام خمینی به گفته خودشان، برای تبلیغ درس ایشان در درس خارج آیت الله بروجردی شرکت

میکند، البته امام می گوید بعد از درس ایشان استفاده هم کردم، اما این دوران را دیگر نمی توان جزء دوران تحصیل امام به حساب آورد.

در سال ۱۳۰۱ و در ۲۰ سالگی، هنگامی که وارد قم شدند، با میرزا جواد آقای تبریزی آشنا می شوند که حدود ۲، ۳ سال این آشنایی به طول انجامیده است.

در سال ۱۳۰۷، بعد از فوت آقای تبریزی، آشنایی امام با آقای شاه آبادی اتفاق افتاده است. در این زمان، آقای شاه آبادی، به قم هجرت کرده بودند و در همین سال، امام خمینی اولین کتاب خود را با نام شرح دعای سحر نوشتند و از همان سال هم تدریس فلسفه را شروع کردند.

امام در ۲۲ سالگی از قم به کربلا می رود که با آقای قاضی آشنا می شود و با ایشان روبه رو می شود و این خاطره توسط آقای قوچانی نقل شده است که همه کاره‌ی آقای قاضی بوده است. ناقل پسر آقای قوچانی است. می گویند: امام وارد اتاق آقای قاضی شد، در یک فضای سنگین همه انتظار داشتند که آقای قاضی امام را خیلی تحویل بگیرند اما فقط سکوت حکم فرما بود. آقای قاضی به من گفت فلان کتاب را به من بده اما من تا کنون اسم آن کتاب را نشنیده بودم بنابراین همینطوری یک کتابی از قفسه آوردم و به ایشان دادم. آقای قاضی گفت: بازکن و بخوان ... بازکردم و شروع به خواندن کردم. داستان جوان پارسایی بود در زمان حضرت موسی، دغدغه اصلاح قوم را داشت و میخواست فرعون زمان را از میان بردارد. بعد از این قرائت امام تشکر میکند و بلند میشود میرود. بعد از آن کتاب دیگر مشاهده نشد!

امام در ۳۰ سالگی حدود ۶ سال شاگرد شاه آبادی بوده است و ایشان به امام می گوید که شما انقلاب می کنی و حکومت طاغوت را براندازی می کنی و بعد از انقلاب تو جنگی در می گیری و فرزندى از فرزندان من در آن جنگ شهید می شود. که فرزندشان آقای محمد شاه آبادی شهید شد. در حدیث داریم که علوم دینی از نجف به قم می آید و از آنجا به دنیا نشر پیدا می کند و این حادثه نزدیک ظهور حضرت است.

در این سالها آقای مسجدشاهی در علم اصول به تدریس مشغول است که امام مباحثی را از ایشان فرا می گیرند. یکی از دلایلی که امام به درس این عالم رفته است، تأکید زیاد آیت الله حائری به شرکت در درس ایشان بوده است. امام می گوید که ایشان بیان بسیار گنگی داشت اما ما ثابت قدم ماندیم. امام می گوید: ما ثابت قدم ماندیم و دروس عروض و نقد داروینسم را تا آخر در درس ایشان شرکت کردیم. این فرد فلسفه جدید هم کار کرده بودند که امام از طریق ایشان با علوم غربی هم آشنا شده است.

امام خمینی در سال ۱۳۰۸ و در سن ۲۸ سالگی، یعنی یک سال پس از ورود به درس خارج، ازدواج می کنند.

امام در سال ۱۳۱۷ جلسات تدریس اخلاق خود را در راه اندازی میکنند. این نشان میدهد که ایشان با آن سن کم دارای وجاهت خاصی بوده است که توانسته است درس اخلاق بگذارد. نکته جالب این است که درس اخلاق ایشان رنگ و بوی عرفان عملی هم داشته است و از رو کتاب منازل الصالحین را درس میدادند. با اینکه بعد از حمله های نیروهای ساواک به منزل ایشان و سایر علما، بسیاری از کتب این بزرگان از بین رفته است، اما حاشیه های امام به کتب عرفان عملی به دست ما رسیده است.

امام خمینی به احترام ورود آیت الله بروجردی به قم، این درس را تعطیل می کنند. امام در سال ۱۳۲۵، یعنی یک سال بعد از ورود آقای بروجردی به قم، تدریس دور دوم درس اصول خود را شروع می کنند. امام می گوید: بعد از فوت آقای بروجردی به اصرار شهید مطهری، درس خارج فقه را شروع کردم، اما این باعث شد که از معقول بازماندم. کتابهای فقهی اصولی امام که در این دوران عرضه داشته است بسیار غنی است. در سال ۱۳۳۴ حاشیه عروه الوثقی را نوشتند. این کتاب زمانی نوشته می شود که فرد مجتهد شده باشد، بنابراین میتوان نتیجه گرفت که امام خمینی در این سال یعنی در ۵۳ سالگی.

در نهایت می توان گفت که امام به این ترتیب، ۲۰ سال درس آخوندی خوبی خوانده است، یعنی از ۱۵ تا ۳۵ سالگی.

زندگینامه علامه طباطبایی:

ایشان هم زندگینامه خودنوشتی دارند که در کتاب شیعه در اسلام و در بخش مقدمه آمده است. ایشان در سال ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در میان خانواده ای روحانی متولد شدند. قرآن، گلستان و بوستان و ... که کتابهایی بود که در مکتب خانه خوانده می شد را فراگرفتند. در سال ۱۲۹۷ وارد دروس حوزوی شدند و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون می پردازند. در سال ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیلات به نجف می روند و در درس آقای کمپانی در خارج اصول و ۴ سال خارج فقه و ۸ سال خارج فقه نائینی شرکت می کنند. تا این بخش از زندگینامه، علامه اسمی از آقای قاضی نیاورده است و گفته است که تا قبل از آشنایی با آقای قاضی من فکر می کردم که اسفار را بهتر از خود صدرا ملتألهین می دانستم اما بعد متوجه شدم که هیچ چیز نمی دانستم. او می نویسد: استادم به قدری به تربیت من علاقه داشت که امر کرد درس ریاضی را هم فراگیرم.

در سال ۱۳۱۴ به علت اخلاص وضع معاش ناگزیر به بازگشت به تبریز شدم و در ۱۰ سال بازگشتم، که خسارت بود، کشاورزی کردم و از تدریس و تفکر بازماندم. آقای جوادی می گوید که علامه به من گفت که آقای قاضی به من (علامه) گفت: که با این وضع زندگی تجملی در نجف به جایی نمی رسی. یعنی آقای قاضی به علامه می گوید که شما تجملاتی هستی در حالی که علامه از شدت فقر به تبریز آمده است. علامه در تبریز در آن ۱۰ سال، حدود ۸ رساله - که هم اکنون به عنوان متن درسی خوانده می شود- به همراه رسائل توحیدی، تألیف می کنند اما خود ایشان از آن دوران به خسران یاد می کند. ایشان در سال ۱۳۲۵ از تبریز وارد قم می شود و دوباره اشتغال علمی را از سر می برند. وضع معیشتی ایشان به گونه ای بود که تا این اواخر عمر خود، به دنبال خانه اجاره ای می گشت !!!

ایشان می گوید که در اوایل تحصیل علاقه ای به تحصیل نداشتیم و خیلی یاد نمی گرفتیم تا اینکه به من عنایت شد و خیلی علاقه مند شدم. درس سیوطی داشتیم و بلد نبودم. استاد به من عتاب کرد. رفتم در بیابان و سجده ای طولانی کردم و به خدا گفتم یا به من شوق تحصیل بده یا من را بکش. بعد از این اتفاق بود که اشتیاق پیدا کردم و تا پایان ایام تحصیل حدود ۱۷ سال هرگز نسبت به تعلیم درک خستگی نکردم. بنابراین معاشرت غیراهل علم را برچیدم و در خورد خوراک به حداقل اغتننا می کردم و بسیار می شد که تا طلوع آفتاب درس می خواندم و همیشه پیش مطالعه می کردم به نحوی که تا حد خودکشی مسائل را حل می کردم و در کلاس، هرگز اشکال درس را پیش استاد نبردم و هرچه استاد می گفت من می دانستم!!! سؤال مهم این است که با این وضعیت، چرا ایشان به کلاس می رفته است؟ شاگرد علامه به نقل از ایشان می گوید: علامه گفت برای اینکه منحرف نشوم کلاس میرفتم تا متوجه شوم که آیا همان چیزی که من فهمیده ام را استاد فهمیده است و من از شجره طیبه حوزه منحرف شده ام یا نه !!!

مشکل کسانی که نابغه هستند این است که مانند علامه نابغه هستند اما به سیره ایشان تمسک نمیجویند و سر کلاس نمی آیند و نشانه های انحراف در این افراد معلوم است و شیطان در مبدأ ادراکی انحرافی ایجاد می کند و آرام آرام ایشان را منحرف می کند. حضور در کلاس بسیار متفاوت است با استفاده از صوت کلاس و غیره زیرا کلاس یک حالت روحانی خاصی دارد که بسیار الهام بخش است. علامه می گوید: من در طول مدت تحصیلم، در هر سال فقط یک روز و فقط عاشورا را تعطیل کردم. ایشان ۱۷ سال به این ترتیب درس خوانده است و با این وضعیت به اندازه. با تعریفی که علامه از نحوه تحصیل خود بیان کرده است، آن میزان تحصیل معادل ۳۰ سال درس خواندن ماست. بزرگان تأکید دارند که ما اگر به جایی رسیدیم در استفاده از ایام تعطیل بوده است.

زندگینامه مقام معظم رهبری (دام ظلّه):

وی در سال ۱۳۱۸ دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۳ و در ۵ سالگی وارد مدارس جدید شدند. ایشان در ۴ سالگی وارد مکتب شده بودند که حاصلش باقی ماندن خاطراتی بد بوده است. ایشان در ۵ سالگی به یک مدرسه مذهبی می روند که حوزه نبوده است. ایشان تا پنجم دبستان را در این مدرسه می خوانند. در آن سال یکی از معلمها، که خود طلبه بوده است می گوید هرکسی دوست دارد من می توانم کتب حوزوی را به صورت طلبگی به آنها درس بدهم. ظاهراً ایشان در ۱۰ سالگی درس حوزه را شروع کرده اند. پدر رهبری اجازه شرکت او را در کلاس ششم را نمی دهند اما ایشان به صورت مخفیانه، تا نیمی از دوران متوسطه را به صورت شبانه می خوانند. ایشان بعد از جامع المقدمات، سیوطی و مغنی را خوانده و بعد، شرح لمعه را نزد پدر خود می خواند. آقا می

گوید که پدرم مقام علمی بالایی داشت و ایشان حق بالایی بر گردن من دارد. رهبری وارد رسائل و مکاسب و کفایه شده و این دروس را نزد شیخ هاشم قزوینی می خوانند و در سال ۱۳۳۴ در ۱۷ سالگی درس خارج را شروع کرده اند. یعنی تقریباً ۷ سال تا درس خارج، دوران تحصیل ایشان به طول انجامیده است. خود ایشان می گویند که در آن سالها کسی نبود که درس خارج خوبی داشته باشند و تابستانها که این درس ها (دروس سطح) برقرار نبود، پدر درسهای جایگزین تدریس می کرد و من به خلاف کسانی که در حوزه های عمومی درس می خواندند - این حوزه ها محرم و صفر و ماه رمضان و ... تعطیل می شد- وقفه ای در تحصیل نداشتم و لذا هنوز ۱۸ سال را تمام نکرده بودم که درس خارج را شروع کردم.

ایشان در سال ۱۳۳۶ طی ۲ سال و نیم در درس خارج آقای میلانی شرکت می کنند و بعد به نجف می روند. ایشان می گوید من درس آقای حکیم و بجنوردی را پسندیدم و از پدر خواستم که در نجف بمانم اما ایشان اجازه ندادند و برگشتم. در سال ۱۳۳۷ به شهر مقدس قم هجرت می کنند. البته بعد از راضی کردن پدر و آقای میلانی. ۳ سال در درس آقای بروجردی و آقای داماد شرکت می کنند و می گویند که از همه بهتر درس امام بود و درس آقای مرتضی حائری. رهبری می گوید: بیان آقای حائری سخت بود و در اوایل شروع درس، تعدادمان زیاد بود اما به مرور خلوت شد و تبدیل به درس خصوصی شد و ما خیلی استفاده کردیم. حضرت آقا می گویند: شهید بهشتی تدریس علوم روز را آغاز کرده بود و من هم مدتی در این جلسات شرکت کردم اما به علت مشغله نتوانستم شرکت کنم، زیرا غالب فعالیت های من درسی بود و به کمتر کاری غیر از درس می رسیدم. ایشان در بخشی از زندگینامه خو می گوید: مدتی معلم خصوصی در قم پیدا کردم و عربی معاصر را از او یادگرفتم. اسفار و شفا را نزد علامه طباطبایی خواندم و خرج زندگی را به زحمت فراهم می کردم و کمتر پول ما به غذای پخته می رسید و بهترینش برای مهمان بود که ماش پلو بود. بعد از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، پدرم بیمار شد و از من خواستند که بروم و نزد او باشم. من احساس می کردم که دریایی از اساتید که در قم بودند را دارم از دست می دهم. گفتم که بروم پیش پدرم و برایش کتاب بخوانم و ... و از قم و کلاس ها دل کندم و به مشهد رفتم. ایشان در این سال، ۱۳۴۳ ازدواج کرده اند در حالی که سنشان ۲۵ بوده است. بنابراین به صورت خلاصه می توان گفت: **دوران خاص طلبگی ایشان به مدت ۷ سال قبل از درس خارج و ۷ سال هم بعد از درس خارج در قم بوده است و الباقی هم در مشهد سپری شده است. پس رهبری در مجموع حدود ۱۷ سال به صورت مستمر و تمام وقت، به تحصیل علوم حوزوی پرداخته است.**

رهبری در مورد درس خواندن به طلاب اینگونه توصیه می کنند:

آقایان! شما با چنین اهمیتی، وارد این صحنه و عرصه شده‌اید؛ به آن توجه داشته باشید. درس را باید خیلی خوب خواند. بی مایه فطیر است و فایده‌ی ندارد. کسی که خیال کند حالا درس نخوانیم، اما خدمت کنیم، برای دین نتیجه‌ی ندارد. بدون درس خواندن، نمی شود این خدمت را انجام داد. حالا ممکن است خدمات دیگری کرد؛ ولی این خدمت، متوقف به علم است. **باید خوب درس خواند و از درس مهمتر، آن معنویت و روحانیتی است که درون خود ما باید باشد ... (بیانات در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلاب ۱۳۶۸/۱۲/۲۲)**

ایشان در جای دیگر می فرماید:

عزیزان من! درس را هم خوب و عمیق بخوانید؛ این را من به جوانها عرض می کنم. همه‌ی آنچه برای یک روحانی از شوون مختلف لازم است، متوقف است بر این مایه‌ی علمی. در دوران مبارزات در مشهد بنده درس می گفتم - سطوح درس میدادم؛ مکاسب و کفایه می گفتم - در کارهای مبارزه هم بودم. طلبه‌هایی که با بنده معاشر بودند، خیلی از آنها داخل مسائل مبارزه بودند. حضور در میدان های سیاسی و اجتماعی، بعضی از آنها را دچار تردید کرده بود که خواندن این درسه‌ها و دقت در متون درسی چه فایده‌ی دارد؛ برویم مشغول کار سیاسی شویم. آنها در همان میدان سیاسی هم با بنده مرتبط بودند و از بنده چیزهایی می آموختند. وقتی متوجه این تردید شدم، به آنها گفتم هر کاری بخواهید بکنید، بیمایه فطیر است؛ باید مایه داشته باشید تا بتوانید منشأ اثر باشید. و به شما عرض می کنم: برادران عزیز! **مایه‌ی علمی را مستحکم کنید. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵)**

کتاب نجم الدین که مورد تایید آیت الله حسن زاده آملی و درباره ی زندگی ایشان هست.

جلسه چهارم: چهار فصل تحصیلی

Tuesday, January 9, 2018

8:52 PM

روش تحصیل عمیق حوزوی؛ روش تحصیل آخوندی، چهار فصل تحصیلی
روش تحصیل عمیق حوزوی؛ ساختار اجمالی کل مباحث و تبیین مقاطع تحصیلی

در این جلسات، ما در نهایت راجع به نظام خوب درس خواندنِ دروس حوزوی به جمع بندی می‌رسیم.

ساختار کلی مباحث: در مورد مباحث حوزوی، در سه ساحت می‌توان بحث کرد:

۱. بعد تحصیلی
(مقاطع تحصیلی - علوم تحصیلی - اهداف تحصیلی - کتب تحصیلی - سبک تحصیلی)
۲. بعد تحقیق و تولید علم
۳. بعد تدریس و تدوین

اما آن بخشی که قرار است ما درباره آن بحث کنیم، مبحث تحصیل است و تنها کسی که راجع به این سه بعد، کتاب حوزوی نوشته است، آقای واسطی است که به صورت آخوندی بحث کرده است. ایشان سبک سنتی حوزه را در کتب خود، نوشته است و همان طور که گفتیم محل بحث ما بر روی روش و بعد تحصیلی است.

تحصیل آخوندی:

این روش تفاوت‌های فاحشی با روش‌های دانشگاهی دارد، البته مشترکاتی هم دارد. همه مباحث را می‌توان در پنج بخش کلی تقسیم بندی کرد. در ابتدا به صورت اجمالی سرفصل‌ها را بیان کرده و در ادامه به صورت تفصیلی وارد بحث می‌شویم. این ۵ سرفصل عبارتند از:

۱. مقاطع تحصیلی

دوره تحصیل چند مقطع دارد و اهداف هر مقطع چیست و هرکدام چند سال دارد و هر سال چه اهدافی دارد؟ بسیاری از طلاب این سالها را یکسان می‌بینند اما متفاوت است.

۲. علوم تحصیلی

در این بخش هر علم از علوم حوزوی را ناظر به پایه‌های اول و دوم مطرح می‌کنیم. صحبت بر سر این است که هر علم یک سری اهداف عمومی دارد و یک سری اهداف خصوصی حوزوی. مثلا منطق برای عموم مردم مفید است اما اهدافی که برای حوزه کاربرد دارد متفاوت است. در این بخش به بیان اهداف ویژه حوزه می‌پردازیم و می‌گوییم چرا حوزوی به دنبال منطق می‌رود؟ صرف خواندن برای چه منظوری است؟ نحو به چه درد می‌خورد؟ معیار خوب خواندن منطق چیست؟ مثلا یکی از مهمترین بخش‌های منطق، منطق ۳ است که باید خوب خوانده شود و یا در مورد نحو می‌گویند که روش‌های مختلف یادگیری زبان وجود دارد چرا حوزه به این روش قدیمی اصرار دارد و ما می‌گوییم که هدف حوزه از ورود به نحو چیست؟ در این مبحث اهداف دانشی علوم را در سه لایه کلان بحث می‌کنیم. بعد از شناخت اهداف علوم باید بدانیم که این اهداف را به چه صورت باید پیاده کرد.

۳. اهداف تحصیلی

سؤال این است که ما از تحصیل کتب مختلف، چند دسته اهداف داریم؟ اهدافی که در بخش علوم تحصیلی بیان شد، اهداف دانشی است اما باید بدانیم که یک سری اهداف بینشی هم وجود دارد و در کنار این دو، یک دسته اهداف دیگری هم هست که به آنها اهداف بالعرض گفته می‌شود. در این بخش می‌گوییم که اهداف علوم حوزوی فقط اهداف دانشی نیست بلکه اهداف

دیگری هم وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. یکی از مشکلات حوزه این است که مثلاً بعد از ۸ سال طلبه نمی داند که باید چنین اهدافی هم تأمین شود بلکه حوزه را محصور در اهداف دانشی می دانند. اصلاً نمی دانند اهداف بینشی چیست؟

4. کتب تحصیلی

تمام مباحث ۳ سرفصل قبلی را در این بخش به صورت عملیاتی و در مورد هر کتاب مطرح می کنیم. مثلاً در مورد احکام می گوئیم که چرا نامش آموزش احکام نیست و آموزش فقه است؟ نکته مهم این است که باید بگوئیم که هدف حوزوی از خواندن این کتاب چیست؟ هدف عمومی این کتاب یادگیری احکام و هدف بالاتر یاد دادن احکام به دیگران است. اما این هدف خاص حوزوی نیست و **هدف حوزوی اش همان آموزش فقه است**. به این معنا که فقه در سه لایه غیراستدلالی، نیمه استدلالی و استدلالی عرضه می شود و درس احکام در لایه فقه غیراستدلالی می گنجد. بنابراین این کتاب را باید با اهداف فقه غیراستدلالی خواند. چرا باید نحو را به این گستردگی بخوانیم؟ کتاب صمدیه با سیوطی چه تفاوتی دارد؟ در این بخش می گوئیم که کنار صمدیه باید فلان کتاب را ببینیم و ... غنی کردن صمدیه چیست، غنی کردن سیوطی چیست؟

5. سبک تحصیلی

در این بخش الگوها و سبک های خاصی برای خواندن دروس مختلف ارائه می شود. مثلاً به صورت عملیاتی می گوئیم که درس سیوطی را باید چگونه بخوانیم؟ نکاتی در مورد پیش مطالعه و مباحثه و مراحل درس خواندن بیان می کنیم. در این بخش توضیح می دهیم که در مباحثه باید چه اتفاقی بیفتد و روش صحیحش چیست؟ **پیش مطالعه، کلاس فعال، مطالعه و تفکر، مباحثه و تحقیق، جمع بندی و تقریر**، در مورد هر کدام از این بخش ها به صورت کامل بحث می کنیم. یکی از مراحل، **تحقیق حین تحصیل** است. غالباً در دانشگاه روش به این صورت است که یک برهه به دانشجویان آموزش می دهند و بعد شروع به تحقیق می کنند. اما مدل حوزوی به صورت تحقیق حین تحصیل است که به آن **تتبع حین تحصیل** گویند. مثلاً در درس احکام، باید **مناطق پژوهی** کنیم و در جایی که می گویند «در وضو یک بار آب ریختن واجب است و دو بار مستحب است و بار سوم حرام است»، حال مصداق و معنای دقیق یک بار چیست؟ به این ترتیب طلبه باید با کوله باری از سؤال از فقه غیراستدلالی وارد فقه نیمه استدلالی شوید. یکی دیگر از مباحثی که در این بخش مطرح می شود، **مدیریت ثبت دانش** است که یکی از مهمترین بخش ها در این مبحث است. در این بخش می گوئیم که باید در عمر خودمان صرفه جویی کنیم و به گونه ای دانش خود را ثبت کنیم که وقتی ۱۰ سال بعد به آن نیاز داشتیم بتوانیم به راحتی به آن دست پیدا کنیم.

محور این سبک چیزی است به اسم **چرخه ی فهم**. اینکه به طلبه گفتند طلبه اینه که **طلبه باید حداقل به اندازه ی سه نفر به بالا کار کنه**.

تفصیل بحث:

بعد از بیان مباحث به صورت اجمالی، به ارائه مباحث به صورت تفصیلی در هر یک از ۵ سرفصل اصلی می پردازیم.

تفصیل مقاطع تحصیلی:

این را بدانیم که ۴ مقطع کلان وجود دارد و اهداف کلان هر مقطع با بقیه متفاوت است. از این چهار مقطع به **چهار فصل** تحصیلی **طلبگی** تعبیر می شود.

الف) فصل اول: مقدمات:

از پایه ۱ تا ۳ که دوره مقدمات است و شامل **ادبیات و منطق** است.

ب) فصل دوم: از پایه ۴ تا ۶ که شامل دوره اول فقه و اصول است که کتاب درسی در این دوره، لمعه به عنوان فقه نیمه استدلالی، در هر سال به صورت دو درس ارائه می شود. متن این کتاب برای شهید اول است و شرح شهید ثانی. در اصول هم پایه ۴ الموجز آیت الله سبحانی است و ۵ و ۶ هم کتاب اصول مرحوم مظفر است.

ج) فصل سوم؛ سطح:

از پایه ۷ الی ۱۰ که به آن دوره سطح گویند، در فقه کتاب مکاسب شیخ انصاری است و در اصول هم کتاب رسائل شیخ انصاری و کتاب کفایه آخوند خراسانی.

د) فصل چهارم؛ درس خارج.

اهداف کلان فصول یک و دو طلبگی:

هدف کلان فصل اول طلبگی:

هدف این فصل از تحصیل، استقرار و تثبیت سبک تحصیل آخوندی است. مثلاً باید دانسته شود که تحصیل آخوندی، به صورت لایه ایست و هر لایه اهدافی دارد و تمام اینها دانشی است و یک سری اهداف بینشی هم وجود دارد و ... (استقرار و تثبیت اخلاق و زی طلبگی) متأسفانه بزرگترین مشکل دانشجویان طلبه، این است که مدل تحصیل دانشگاه در آنها نهادینه شده است. ضمناً اخلاق دانشگاهی وجود دارد که در طلاب دانشجو تثبیت شده است که باید در حوزه تغییر کند. جای این تغییرات در این سه سال است. مثلاً مدل خواندن سیوطی بسیار مهم است و باید به صورت آخوندی تثبیت شود. مثلاً ما می خواهیم بدانیم که الگوی تحقیق حین تحصیل چیست؟ وقتی این الگو تثبیت شد در سایر دروس هم همین روش استفاده خواهد شد. بعضی مدل جهشی را استفاده می کنند برخی هم فشرده می خوانند و ما می گوئیم که باید روش غنی کردن را استفاده کنیم. کار اصلی ما در فقه و اصول و ... شروع می شود اما دیگر در آن مقطع وقت آن نیست که به اصطلاح قلقلگیری کنیم، بلکه باید در این سه سال، مدل تحصیل آخوندی در طلبه تثبیت شده باشد.

هدف اصلی مقطع دوم تحصیلی:

هدف مقطع دوم تحصیلی این است که طلبه، هنر و مهارت تحصیل بلند مدت را اخذ کند. پایه ۵ شروع فقهی است که قرار است ۲۰ سال خوانده شود. ۳۰ تا درس وجود دارد که باید بسیار بلندمدت خوانده شود.

اهداف هریک از پایه های ۱ و ۲ و ۳:

اهداف پایه ۱:

در این سال باید انتخاب سبک مناسب را داشته باشیم. باید به مرور مشاوره کنیم و یک مدل را انتخاب کنیم. شاه درس سال اول صرف است.

اهداف پایه ۲:

سال تثبیت الگو و روش انتخاب شده در سال اول است و بزرگان می گویند که این سال بسیار مهم است. مثلاً یکی از مهمترین کتابهای نحوی شرح سیوطی است. شاه درس این سال، منطق است. کتاب های تراس نحوی ما حول سیوطی فهمیده می شود. سال دوم از نظر محتوایی مهم است.

اهداف پایه ۳:

در این سال اگر دو سال گذشته خوب مطالعه شده باشد، جای آن را دارد که مثلاً کتاب الموجز اصول پایه چهارم را در پایه سوم بخواند. شاه درس این سال، بلاغت است. کسانی که می خواهند قوی کار کنند باید درس های فرعی را در تابستان هر سال امتحان بدهند و سه درس اصلی باقی بماند. می توان فلسفه را هم آغاز کرد.

عقاید کار نکنیم؟

چند مدل وجود دارد، اینکه روند کلام و فلسفه چیست؟ در نهایت گفته می شود که برنامه های عقاید و کلام، طلبه را به آن اهدافی که در نظر گرفته شده است، نمی رساند! گفته می شود که ترتیب چینش کتب عقایدی به ترتیب بزرگی اسم اساتید بوده است نه غنای کتب درسی. بنابراین طلاب باید برای خود به صورت جانبی یک برنامه برای یادگیری عقاید تعریف کنند.

در تابستان چه کنیم؟

در تابستان نمی توان درس اصلی گرفت. باید در تابستان یک بخشی را استراحت کرد که اگر استراحت نکنید، در طول سال استراحت خواهید کرد و حوصله تان سر خواهد رفت. جمع بندی و مرور و تکمیل دروس سال قبل. به صورتی باید صرف را جمع بندی کرد که برای سال بعد مشکلی نباشد.

نحو طی سه سال خوانده می شود. اما صرف در سال اول، منطق در سال دوم و بلاغت در سال سوم فقط یک بار خوانده می شود.

جلسه پنجم: اهداف ویژه ی حوزوی علوم

Thursday, January 11, 2018

11:36 AM

علوم تحصیلی:

همان طور که قبلاً بیان شد، در این بخش باید هدف ویژه هر علم را بشناسیم. باید بگوییم که این علوم در سبک حوزوی، در چند لایه فراگرفته می شود. هر علم حوزوی یک هدف ویژه و اختصاصی دارد که این هدف مختص حوزه است. به این معنا که ممکن است این دروس در خارج از حوزه هم خوانده شود اما هدف خواندن این دروس در خارج از حوزه، ناظر به اهداف عمومی است.

۱. هدف آموزش فقه (احکام):

هدف عمومی:

یادگیری احکام شخصی. چنین فردی باید احکام مرجع خود را بخواند. این کار را تمام افراد باید انجام دهند.

هدف قدری تخصصی تر:

یاد دادن احکام به دیگران، چنین فردی باید نظرات مراجع مختلف را نیز یاد بگیرد. این هدف را بسیاری افراد دیگر هم دارند مانند مریبان احکام غیرحوزوی. [باید رساله چند مرجع تهیه شود. مسائل پرکاربرد بررسی شود. روش فهم و بیان احکام]

هدف ویژه این درس در حوزه:

درس احکام اولین حلقه از پیوستار علم فقه است. یعنی درس احکام باید وصل بشود به کتاب لمعه، لمعه باید وصل بشود به کتاب مکاسب، مکاسب وصل بشود به درس خارج. احکام، فقه غیراستدلالی است. برای اینکه یک علم به صورت عمیق یادگیری شود باید در سه لایه غیر استدلالی، نیمه استدلالی و تمام استدلالی دنبال شود. بنابراین کتاب احکام را باید با توجه به این هدف مطالعه کرد.

فقه غیراستدلالی و خواندن آن دارای چه لوازمی است؟

1. آشنایی با اصطلاحات اولیه فقهی

اگر کسی بخواهد به منابع همین فقه غیراستدلالی مثلا کتاب حاشیه عروه رجوع کند چیزی متوجه نمی شود. مثل اینکه اصطلاح عربی احتیاط واجب چیست؟ در این مرحله باید یک طلبه بتواند با رجوع به حاشیه عروه بداند که نظر مراجع مختلف چیست؟ زیرا چنین هدفی را در لمعه مشاهده نمی کنیم و آنجا هدف دیگری دنبال می شود.

اصطلاحاتی مانند:

لا یخلو من وجه، لایبعد، محل اشکال، لا تردد و ... که حدوداً ۵۰ اصطلاح است که باید در همین پایه اول دانسته شود زیرا در لمعه چنین چیزی آموزش داده نمی شود.

2. آشنایی با معنای واقعی برخی الفاظ

مثلاً وقتی می گوید: اگر ظن قوی داری ...

3. ملاک پژوهی (کشف مناط)

احکامی و مواردی این چنینی مورد نظر است:

- وقتی می گوید که «نماز قضا پدر بر عهده پسر بزرگتر است ...»، اگر هنگام فوت پدر فرزند در شکم مادر یک ماهه باشد، این صدق پسر بزرگتر می کند یا نه؟ پسر بزرگتر یعنی چی؟

- وقتی می گوید که یک بار آب ریختن در وضو و ... ملاک بار چیست؟

با این ملاک ها وقتی وارد لمعه می شوید بررسی می کنید که آن کسانی که پسر بزرگتر را به آن صورت تعریف کرده اند، بر چه اساسی این استدلال را کرده اند.

در مثال دوم می پرسیم که شما که ملاک را برای دانستن بار، عرف دانسته اید چه دلیلی داشته است، می گویند که این مربوط به فقه تمام استدلالی است.

- مسافر دقیقاً چه کسی است؟

4. قالب ها

یکی سری قالب تکرار شونده در فقه وجود دارد.

• مثلاً حکم کلی را می‌گویند و بعداً می‌گویند که حکم فرد فراموشکار، قاصر، جاهل، ملتفت و ... در این حکم چیست؟

• قالب‌های شک و ظن و یقین قالب هستند:

ظن در اصل نماز حکم شک دارد و در تعداد رکعات حکم یقین را دارد.

• اگر اول فکر کرده درست انجام داده بعداً متوجه شده که اشتباه بوده ... احکام را باید به صورت یادگیری این قالب‌ها فرابگیریم، بنابراین احکام حفظی نیست.

5. اصل‌ها

• اگر شک کردیم بر وجود یا عدم وضو، اصل بر چیست؟
اصل سازی طبق چه قانونی است؟

6. بنیادهای فقه

۶-الف) فهم عرفی

محورش رویکرد عقلانی نیست بلکه ملاکش فهم عرف است.

• مثلاً در بحث مانع شدن خودکار، جرم عرفی ملاک است. آقای مکارم می‌گویند که جرمش عرفی نیست و عقلایی نیست که بگویی که هرچیزی که هست یک جرمی دارد، زیرا در اینجا ملاک، جرم عرفی است.

۶-ب) قالب‌های کلی

باید با این قالب‌ها می‌توان ۱۰ مسئله را به یک مسئله تبدیل کرد و مسائل کلان می‌توانند مثلاً ۱۰۰ تا مسئله را حل کنند.

7. روش بیان احکام

۲. هدف منطق:

1. هدف عمومی منطق

جلوگیری از خطای در فکر کردن تصویری و تصدیقی. برای رسیدن به این هدف عمومی، استدلال و مغالطه را خیلی مهم می‌دانند و بیشتر به این فصول می‌پردازند. اما این اهداف ناظر به هدف عمومی است. این هدف را دانشگاهی و وکیل و ... هم دارند. اگر هدف ما هم این بود، دیگر لازم نبود سه تا منطق بخوانیم!!!

2. هدف ویژه منطق

منطق زبان فهم فلسفه، کلام و اصول است. کسی که منطق را خوب بخواند، این دروس را خوب می‌تواند یاد بگیرد. منطق پایه‌ی این دو علم است. بنابراین با این هدف ویژه، دیگر استدلال و مغالطات مهم نخواهند بود بلکه سرفصل تصورات مهمتر می‌شود. به همین دلیل است که علامه به این فصل توجه بیشتری کرده است. باب برهان شفا .
علم منطقی مطلوب در حوزه، علمی است که ناظر به فلسفه ملاصدرا باشد! غالباً کتب منطقی بر اساس فلسفه مشاء است [نظر آیت الله جوادی آملی] و علامه و شهید مطهری می‌گویند که منطق اسلامی بیشتر به امور حقیقی و عقلی پرداخته و باید به امور عقلایی و اعتباری نیز بپردازد.

الان برام سوال شده که برای رسیدن به این منطق مطلوب باید چه منطقی و به چه صورتی مطالعه شود؟

۳. هدف صرف و نحو و لغت:

۱. هدف عمومی

در کل دنیا اهدافی از یادگیری زبان وجود دارد، خواندن، نوشتن، شنیدن و ... که در تمام یادگیری های زبان وجود دارد.

۲. هدف ویژه حوزوی

درک عمق معنای آیات و روایات. صرف و نحو، علوم فصاحی هستند و بلاغت، علم بلاغی است. اصلی ترین هدف از خواندن دروس حوزوی (صرف و نحو و لغت)، تسلط به عمق معانی قرآن و احادیث است. بنابراین اینکه گفته می شود که مثلا قواعد را با فلان روش حفظ کنید، شماره قواعد و نمودار و ... اینها ناشی از این است که هدف ویژه حوزوی درک نشده است. مثلا گفته می شود که بهتر است و باید مکالمه عربی کار شود در حالی که هدف ویژه حوزوی این نیست. امام خمینی ره می گوید که کسی رفته است مکه نزد یکی از اساتید ادبیات آن کشور و آن فرد به او گفته است که شما چرا در حوزه ها اینجوری عربی می خوانید، با کتابهایی درس می خوانید که نه می توانید حرف بزنید، نه می توانید بنویسید و ... اما مطالبی از قرآن استخراج می کنید که ما نمی توانیم حتی درکشان کنیم!!!

آیا یادگیری مکالمه زبان عربی خوب است؟

هدف ویژه حوزوی از ادبیات عرب، این نیست اما از کمالات حوزوی است و برای کسی که به آن نیاز دارد خوب است یاد بگیرد. در حال حاضر ۵ رویکرد اصلی نسبت به نحو مطلوب وجود دارد اما ما باید ناظر به رویکرد ویژه حوزوی رویکرد مناسب را پیدا کنیم که آن هدف، فهم عمق معناست.

توجه: این متفاوت است با اهداف بلاغت که خود شامل سه دانش است، معانی، بیان و بدیع. هدف علم بلاغت، فهم اغراض دانشی و گرایشی ترکیب های کلام است و این را بررسی می کند که چرا مثلا در فلان آیه از آن ترکیب استفاده شده است. این غرض دانشی است. غرض گرایشی هم به این معناست که مثلا هنگامی که آیه و روایت می خواهد راجع به ترسناک بودن جهنم صحبت کند از تعبیرات خاصی استفاده می کند.

نمونه هایی از فهم عمق معنا:

شما فهمی را از کلام درک کرده اید، حال بحث این است که چگونه می توان این درک را به کمک ادبیات، به متکلم استناد داد؟ (این که بتوانیم بگوییم متکلم دقیقا منظورش چه بوده و به او اسناد بدهیم) تفاوت واقعی لای نفی جنس با لای شبیه به لیس چیست؟ ممکن است عربی معاصر ناظر به این دقت ها نباشد اما دقت عربی عصر نزول قرآن بسیار زیاد بوده است.

«رب زدنی علما»

در این آیه، نقش علم چیست؟ مثلا می توان علمی گفته شود اما در این قالب ظرافت هایی وجود دارد. معنای این آیه این است که مرا از نظر علم پذیری ارتقاء بده و ظرف علم مرا زیاد کن! نه اینکه علم مرا زیاد کن ... این دو معنا بسیار متفاوت است. با توجه به این دلیل، و اینکه هدف ما فهم عمق معناست، دیگر نمی توانیم بر روی کتب معاصر تکیه کنیم بلکه باید بر روی کتب قدیمی تر تکیه کنیم.

قالب های یکسان از نظر معنایی تشخیص داده می شود.

«علی بذکر الله تطمئن القلوب»

معنای دقیق این آیه چیست؟ ذکر، مصدر است و الله در نقش مضاف الیه است. وقتی مصدر اضافه می شود، مضاف الیه هم می تواند فاعل باشد و هم مفعول، اگر خدا را فاعل بگیرید، معنا چنین است که: «وقتی خدا شما را یاد می کند، قلب

آرام می شود!!!» بنابراین فهم عرفی، معنای مفعولی الله است، اما می توان آن را فاعلی هم در نظر گرفت. در عین حال به دلیل قواعد بلاغی، در این آیه حصر هم وجود دارد. بنابراین ترجمه می تواند این باشد که: «آگاه باشید که فقط هنگامی قلب شما آرام می شود، که خدا به یاد شما باشد.»

با نحو ظرفیت سازی معنایی می شود.

«لیس کمثله شیء»

به چه معناییست؟ نیست، مثل مثل خدا ... به این معنا که مثل خدا وجود دارد اما مثل مثل خدا وجود ندارد! این رویکرد معارفی و کلامی است. اما با رویکرد نحوی می گویند که کاف معنا ندارد و معنای تأکیدی دارد. می توان رویکرد بلاغی هم داشت. امام حسین علیه السلام به یزید لعنة الله می فرماید که: مثل منی با مثل تویی بیعت نمی کند، شاید شبیه این آیه باشد.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

متعلق بسم الله کدام است؟ آیا اشکالی دارد که این بسم الله متعلق به الحمد ابتدای سوره باشد؟ در این صورت معنا به این صورت است که:
ال در الحمد به معنای حصر است، یعنی تمام حمد ها مختص خداوند است، به سبب اسم خداوند، که آن رحمن و رحیم است. بنابراین به دلیل این دو اسم خداوند، حمد مخصوص خداوند است. شاهد این تفسیر این است که بسم الله هر سوره، متعلق به قلب معنایی آن سوره است و فقط در سوره حمد است که بسم الله الرحمن الرحيم، یک آیه جداگانه است اما در آیات دیگر اینطور نیست.

مثالهای صرفی:

«و عنت الوجود»

عنت از چه ریشه ایست؟ چگونه می توان گفت که کلیه افعال صرفی به چه صورت است و در چه صورت می توان مطمئن بود که مثلا این عنت چه احتمالاتی می تواند داشته باشد و دیگر احتمال دیگری قطعاً ندارد؟
تفاوت ما و لا برای نفی چیست؟
فرق مطاوعه با مجهول چیست؟
مثلا وقتی می خواهیم مجهول بگوییم، گفته می شود کاسه واژگون شد وقتی مطاوعه گفته می شود، چه تفاوتی دارد؟
چرا بعضی قواعد جوازی صرفی را خداوند در قرآن استفاده کرده است بعضی جاها استفاده نشده است؟ مثلا گاهی گفته تنزل و گاهی گفته است تنزل؟
تفاوت بابهای افعال و تفعیل چیست؟
علامه می گوید: تفاوت انزال و تنزیل این است که یک قرآن تنزیلی داریم که طی بیست و چندسال نازل شده است، زیرا باب تفعیل دلالت بر تدریج دارد و یک قرآن انزالی داریم که دفعتا نازل شده است، زیرا باب افعال دلالت بر دفعه بودن دارد.

توجه توجه کنید که جای این مباحث در بلاغت نیست، چون گاهی می بینیم که می گویند محل این مباحث در بلاغت است، در حالی که محل آن در بحث صرف است و باید این مباحث به صورت عمقی پیگیری شود.

فشرده شدن و پیاده کردن کل ادبیات در یک نقشه ی جامع مفید است.

لایه های سه گانه تحصیل هر علم:

در هر علمی سه لایه وجود دارد که باید مد نظر قرار گیرد. این لایه ها عبارتند از:

- لایه کاربردی
- لایه تعمیقی
- لایه اجتهادی

هر گاه این سه لایه محقق شود، لایه اهداف دانشی محقق شده است اما کارِ تحصیل آخوندی به پایان نرسیده است و دو لایه دیگر وجود دارد که این سه لایه در کل عبارتند از:

- اهداف دانشی
- اهداف بینشی
- اهداف بالعرض

بنابراین علوم حوزوی دارای سه بعد است و اگر بر اثر ساده سازی، این لایه ها حذف شود، به این اهداف حوزوی آسیب وارد می شود.

جلسه ششم: لایه های دانشی، بینشی و بالعرض

Thursday, January 11, 2018

11:36 AM

روش تحصیل عمیق حوزوی؛ لایه های دانشی، بینشی و بالعرض

اهداف تحصیلی

مقدمه

در مورد اهداف حوزوی باید به این نکته توجه داشت که یادگیری در حوزه های علمیه، به صورت لایه لایه است و به مرور زمان، مباحث از اجمال به تفصیل حرکت می کند. بنابراین می توان گفت که تحصیل در حوزه، به این صورت نیست که از ابتدا به صورت اجتهادی انجام شود بلکه در ابتدا به صورت مبتدی است و آرام آرام طلبه متوجه عمق مباحث می شود. این منطق که مثلا یک درس را یک بار اما به صورت عمیق بخوانیم بهتر از این است که مثلا یک درس را ۴ یا ۵ دور بخوانیم، این با روح تحصیل حوزوی متناقض است. یکی از انتقادات این است که مثلا درس صرف نباید یک بار باشد! بلکه باید از اجمال به تفصیل باشد.

ابعاد سه گانه اهداف تحصیل حوزوی

۱. اهداف دانشی

۱. لایه اول: کاربردی

اين توهم وجود دارد که يک علم چيزي غير از کاربردش نيست، چرا مي گوييد که لايه هاي ديگري هم وجود دارد؟ بايد در پاسخ به اين تفکر بگوييم که آنچه از علوم، در حوزه مورد استفاده قرار مي گيرد، در اصل لايه تعميقي است.

اهداف لايه کاربردي:

۱. اکتساب تصور صحيح اصطلاحات و تصورات

اين که اين علم دارد چه مي گويد. بايد اين اصطلاحات کاملا فهم شود، نه اينکه حفظ شود! مهم اين است که صورت مسئله بايد کاملا فهم شود. مثلا در نحو مرفوع يعني چه؟ منصوب يعني چه و ...

۲. شبکه نتايج نهايي

جواب نهايي که به مسئله در همان کتاب گفته شده است، يادگيري شود. به اين معنا که در مورد سرفصل هاي مختلف، يک جواب نهايي توسط آن کتاب داده شده است که بايد در اين مرحله در ذهن طلبه تثبيت شود و در اين مرحله، طلبه نبايد خود را در اقوال مختلف و گيج کننده غرق کند. مثلا در يک مسئله، بايد بدانيم که **نظر نهايي** در صمديه چه چيزي است. (**در همه ي مسائل نظر نهايي را بدانيد**) اختلافات انسان را دچار پراکندگي مي کند و از ايجاد يک **تنه محکم** که بعدا بتوانيم شاخه ها را بر روي آن سوار کنيم، جلوگیری می کند.

۳. نظام جامع نقشه علم

مثلا در نهايت بعد از خواندن نحو سال اول، بايد بدانيم که علم نحو، چند باب دارد و هر باب چه مباحثي را در بر دارد، تا بتوانيم بعدا به راحتی مراجعه کنيم. مثلا بايد بدانيم که نماز ميت در کدام باب است؟ منطقا بايد در بخش نماز باشد اما نيست و در بخش اموات است.

۴. شناخت مسائل اصلي از فرعي

مثلا عامل رفع مبتدا چيست؟ اين يک مسئله فرعي است اما اينکه اقسام حال چيست، اين يک مسئله اصلي است. **طلبه بايد به صفحات کتاب وزن دهی کند.** وزن دهی در کارهای اجتهادی و عمیق علمی بسیار مهم است. ممکن است يک مسئله خيلي پرکاربرد باشه اما مسئله بسيار مهمی هم نباشد. تشخيص اين مسائل به عهده طلبه نيست بلکه وابسته به استاد است که تشخيص مي دهد که کدام مسئله اصلي است کدام فرعي.

۵. کاربردهاي عمومي علم

مثلا بعد از نحو سال اول، طلبه بايد بتواند به راحتی متون عادي را تجزيه و ترکيب نمايد. به همين علت، استادهايي که علاقه زيادي به کار کاربردي دارند، براي سال دوم مناسب نيستند زيرا **سال دوم، براي تعميق** است.

۲. لايه دوم: تعميقي

اهداف لايه تعميقي:

۱. شناسايي و کار بر روي مسائلِ نيازمند تعميق

۲. اقوال اصلي و مهم

آنچه مهم است اين است که سر و علت اختلافات و محل اختلافات را کشف نماييم. بايد بررسي کنيم که علت اختلاف بين علما چيست؟ يا مثلا در احکام اختلافی، ریشه اختلافات چيست؟

۳. جهتگیری اجتهادی

به این معنا که باید میان اقوال مختلف بتوانیم درست بودن یا نبودن آنها را تشخیص دهیم و خیز به این سمت را برداریم. به صورت کاربردی باید این کار را انجام داد که مثلا در مورد درس منطق، اگر منطق ۱ به خوبی خوانده شود، منطق ۲ و ۳ به خوبی یادگیری می شود.

۴. تنظیم های دانشی

به این معنا که کتب درسی، تمام مطالب لازم را در خود نگنجانده اند، بلکه برای تعمیق، باید مسائل مهم دیگر را که در کتب اصلی درسی نیست، شناسایی کرده و یاد بگیریم. مثلا در بدایه و نهاییه، بحث معاد اصلا گفته نشده است که باید این مبحث نیز یادگیری شود. همچنین کتاب سیوطی هم بسیار مهم است که در کنار آن باید چندین کتاب دیگر گنجانده شود.

۵. اصطیاد و پرونده سازی

تعمیق کردن به این معناست که طلبه باید به صورت فعال مثلا تفاوت میان شاذ و نادر را تحقیق کنید. به این ترتیب باید یک پرونده ایجاد کنید که از اساتید مختلف این سؤال را -که در کتب مختلف نیست- تحقیق و جمع بندی کنید. آرام آرام باید سوالات را رشد بدهید.

۶. مباحث میان رشته ای

بعد از خواندن علوم مختلف، باید ارتباطات میان مباحث علوم را کشف کرده و به صورت تحقیقی در یک مسئله به یک نتیجه نهایی برسید.

۳. لایه سوم: اجتهادی

۱. اتخاذ مبنا

در میان اقوال و مباحث اختلافی، دلایل مختلف را خوانده و به دلایلی یک مبنا اتخاذ می شود.

۲. مکتب شناسی تطبیقی

در این مرحله، مکاتب مختلف علوم را شناسایی کرده و آنها را مقایسه و تطبیق می کنیم و در نهایت مکتب مورد نظر خود را اتخاذ می کنیم و یا شاید در نهایت یک مکتب تلفیقی ایجاد کرده و یا اصلا مکتب جدیدی را تأسیس نماییم.

۳. خلاقیت، افق گشایی، تولید علم

جایی که شما می توانید آن علم را جلو ببرید و تولید علم کنید.

۴. نظام سازی

نظام علم نحو، نظام اقتصاد اسلامی، نظام دیگری از مثلا اصول و ...

۵. تفکر علم

در این لایه باید طلبه به تفکر حاکم بر آن علم دست پیدا کند. معنای تفکر علم را با بیان یک مثال روشن می کنیم. فردی را تصور کنید که دکترای علم اقتصاد دارد اما مشاهده می کنیم که در اقتصاد زندگی اش به مشکل برخورد کرده است، اما در مقابل فرد دیگری که بیسواد است را می بینیم که در اقتصاد زندگی اش تأمین است. در مورد فرد دوم

گفته می شود که او تفکر اقتصادی دارد. مثال دیگر اینکه بعضی با تفکر علوم فصاحتی وارد علوم بلاغی شده و آن را قضاوت کرده اند که این غلط است.

۶. امتدادهای سیاسی اجتماعی و تمدنی به آن علم
به قول حضرت آقا مشکل فلسفه این است که این علوم دارای امتداد سیاسی اجتماعی نیستند!

2. اهداف بینشی

تعریف: مباحثی همانند تاریخ علمای علم نحو. این مباحث مسئله علم نحو نیست اما بی ربط هم نیست. مثال دیگر در علم نحو: چرا مدام مشاهده می کنیم که اخفش از نظر بصریون جدا می شود و وارد مبنا و نظر کوفیون می شود؟ این قضیه، داستانی دارد. خلاصه اینکه او اول در بصره بوده و بعدا به دلایلی داماد کوفیون شده است و نظراتش متمایل به آنها شده است.

این بینش و بصیرت می تواند در لایه های کاربردی و تعمیقی به ما کمک کند. مبحث دیگر، که تاریخ علما است هم در این دسته، گنجانده می شود. تاریخ علوم مختلف هم جزء این دسته است. تاریخ مسائلی که در علوم مطرح شده است را نیز می توان در این لایه قرار داد. مثلا گفته می شود که فلسفه سه مکتب دارد: مشاء، اشراق و حکمت متعالیه. در علم نحو اینکه بدانیم دو مکتب کوفیون داریم و مکتب بصریون. به عنوان مثال وقتی از اساتید منطق سؤال می شود که چند مکتب در منطق اسلامی وجود دارد؟ کسی نیست که پاسخ این سؤال را بدهد.

بزرگترین فلاسفه اسلامی چه کسانی هستند؟ بزرگترین نحویون چه کسانی هستند؟ بزرگترین منطق دانان چه کسانی هستند؟ در حوزه علمیه بر روی مباحث بینشی کمتر وقت گذاشته شده است و این یک ضعف است. این در حالی است که مباحث بینشی، مباحث شیرینی هستند و علوم غربی و دانشگاهی در این زمینه کارهای زیادی انجام داده اند.

3. اهداف بالعرض

یک سری از مسائل وجود دارد که باید از دل یک علم به دست آید اما هیچ ارتباطی به آن علم ندارد.

۱. اقتدار تراث فهمی

به عنوان مثال در مورد کتاب سیوطی گفته می شود وقتی کسی این کتاب را -که دارای متن سختی است- بخواند، به راحتی می تواند به کتب قدیمی رجوع کند. کسی که اهداف دانشی و بینشی را با ساده ترین کتب و عبارات آموخته باشد، اما نتواند به کتب اصلی و قدیمی علوم رجوع کند، مجتهد نخواهد شد، اما با خواندن کتبی مانند سیوطی این مشکل حل می شود. در دل سیوطی یک کارگاه پنهان به صورت ناخودآگاه برای شما ایجاد شده است. این کارگاه حین صمدیه هم هست. بخشی از پیش مطالعه را باید به همین کارگاه اختصاص بدهی و یک فرد در درونت مسئول این کار باشد. اهداف بالعرض در سه سال اول بیشتر پر رنگ است و اهداف بینشی بیشتر در فقه و اصول و فلسفه پر رنگ است. به جای اینکه یک کارگاه جدا برای شما بگذارند به عنوان فهم تراث، همین کارهای خرد خرد برای شما یک تسلطی ایجاد می کند.

۲. انس با اختلاف مبانی

اختلاف اقوال آزار دهنده است اما نیاز است که با این اختلاف اقوال عادت نمائید و دنبال این نباشید که بدانید که بالاخره کدام نظر درست است؟ بلکه باید خود شما که مجتهد هستید نظر صحیح را کشف کنید. در حوزه حرف نهایی همانند دانشگاه وجود ندارد.

۳. تعادل بین فهم من و فهم بزرگان
میان اینکه بزرگان فلان حرف را زده اند ما کوچکتر از آن هستیم!!! و اینکه من به این نتیجه رسیده ام و این نهایی است!!! میان این دو حرف باید تعادل را رعایت کنیم.

۴. روش تحلیل و تفسیر یک متن
به عنوان مثال روشی که در دانشگاه وجود دارد این است که عادت به سطحی و سریع خوانی وجود دارد، اما در حوزه عادت به حلاجی متن وجود دارد و عمیق خوانی بسیار رایج است. با تمرکز بر روی این مبحث، امکان تفسیر متن و حتی تفسیر قرآن به وجود می آید. به همین علت است که مثلا شهید مطهری نظرات مارکسیست ها را بهتر از خود آنها فهمیده است و بعضی از علاقه مندان به مارکسیست، از شهید مطهری یاد گرفته اند.

۵. بررسی و الگوگیری از شیوه تدریس اساتید
یک کارگاه درونی نقاط قوت اساتید را بررسی و جمع آوری کند.

۶. اصطیاد شیوه های مختلف تبلیغ
مثلا یک نفر در درون انسان مسول دغدغه ای هست، از دل کتاب ها و مطالعات بیرون می کشد. مثلا در مورد ولایت فقیه و ...

۷. روش اشکال کردن به یک مطلب
در خلال درس و مباحث درسی می توان از اشکال کردن هایی که در کتب وجود دارد استفاده کنیم. مثلا اشکال هایی که سیوطی به ابن مالک می گیرد و پاسخ می دهد.

۸. آشنایی با اصطلاحات مختلف یک مفهوم واحد در کتب مختلف

جلسه هفتم: قوی خوانی و غنی خوانی درس های پایه اول

Friday, January 12, 2018

10:49 PM

روش تحصیل عمیق حوزوی؛ قوی خوانی و غنی خوانی درس های پایه اول

بحث همیشه ناظر به حین تحصیل هست نه بعد از تحصیل. چون غالبا چنین فرصتی به دست نمی آید.

۴) کتب تحصیلی

الف) الگو و قالب کلان کتب تحصیلی:

باید میان دو مرحله از تحصیل کتب حوزوی تفکیک کنیم.

۱. قوی خواندن

۲. غنی خواندن

مرحله قوی خواندن در تحصیل حوزوی، میزان واجب است و مرحله غنی خواندن، مرحله کمالی و تکمیلی تحصیل می باشد. این دو مرحله باید حتما همزمان باشد و نمیتوان مثلاً غنی خواندن را به بعداً موکول کرد، هیچ بعداً ای وجود ندارد. سبک خواندن کتب حوزوی متفاوت است با سبک خو اندن کتب دانشگاهی، همچنین در حوزه، تحصیل، استاد محور است، نه کتاب محور. به عنوان مثال، برخی کتب حوزوی، در دانشگاه نیز مطالعه می شود اما سبک تحصیل دانشگاهی کاملاً متفاوت است و برای مجتهد شدن نیازمند تحصیل آخوندی هستیم. در تحصیل حوزوی، سه سال اول، در تثبیت روش تحصیل آخوندی و همچنین تثبیت اخلاق آخوندی در وجود طلبه ها بسیار حساس و تأثیرگذار است.

۱. قوی خواندن:

۱. آخوندی خواندن

۱. دقت در عبارت
۲. تحلیل و تفسیرهای مختلف عبارت
۳. دوختن اول و آخر یک کتاب به یکدیگر (طوری بر مطالب کتاب مسلط باشی که مطالب مرتبط را پیدا کنی)
۴. قیمت گذاری متون و بخش های کتاب
۵. هندسه محتوا و مرتب سازی ساختار کتاب
۶. مدیریت سؤالات و مسائلی که حین مطالعه مطرح می شود
۷. چرخه فهم و رفت و برگشت در فهم متن

همواره خواندن متون با چند بار خواندن، فهم عمیقی به دست میدهد. حتی کتب فارسی را هم باید با دقت بسیار بالایی بخوانیم و ارتباطات و نتایج نکات مختلف را کشف کنیم. یکی از ثمرات چنین مطالعه ای را می توان در **نقدهایی که شهید مطهری بر مارکسیسم** انجام دادند، مشاهده کنیم به طوری که خود مارکسیست ها هم مقهور این دقت و عمق مطالعه و نقد شدند. در تحصیل دانشگاهی، حجیم خواندن ملاک و ارزش است ولی در تحصیل حوزوی، **عمیق خواندن** ملاک است نه سریع خواندن.

۲. تأمین اهداف ویژه آن علم در حوزه

به عنوان مثال هدف ویژه خواندن صرف، فهم عمق معناست. همچنین در مباحث نحوی باید توجه کنیم که تأثیر مبحث تفاوت بدل کل از کل با عطف بیان در فهم عمق معنا چیست؟

۳. تأمین اهداف دانشی آن علم

به محض مواجهه با یک کتاب باید ابتدا تشخیص دهیم که این کتاب در چه مقطع و لایه ایست و به دنبال تأمین اهداف آن لایه باشیم. به عنوان مثال در کتاب صمدیه به دنبال لایه کاربردی نحو هستیم اما به هنگام مواجهه با کتاب سیوطی ما وارد لایه تعمیقی شده ایم.

۴. تأمین اهداف بالعرض

اهداف بالعرض عبارت است از توانایی های آخوندی ای که ضمن مطالعه کتب حوزوی به دست می آید. اساتید می گویند که اگر شما بتوانید کتاب صمدیه را به خوبی خودتان مطالعه کنید و مطالب مختلف را از دل آن بیرون بکشید، کفایه را به راحتی متوجه خواهید شد، با اینکه موضوع این دو کتاب هیچ ارتباطی به هم ندارند. علت این است که کتاب کفایه هم مانند صمدیه، در خلاصه ترین حالت ممکن گفته شده است. بنابراین بیرون کشیدن مطالب خلاصه شده از یک متن، یک هدف بالعرض است.

۵. اشراب رویکرد مطلوب آموزش علم

به عنوان مثال کتبی مانند صمدیه برای آموزشِ امروزی نحو نگاشته نشده است، این در حالی است که کتابی مانند بدایه النحو، طبق روال آموزشی گفته شده است. اما این به معنای کنار گذاشتن صمدیه نیست زیرا کتاب صمدیه دارای اهداف بالعرضی است که در بدایه النحو نیست. بنابراین بهتر است در کنار کتبی مانند صمدیه، به کتبی مانند بدایه النحو که دارای رویکرد آموزشی مطلوبی است، رجوع کنیم و از تمارین و مباحث شسته و رفته آن کتب نیز استفاده کنیم.

۶. مهارت و دغدغه تتبع و رجوع به شروح و حواشی

در تحصیل حوزوی، یک درس به عنوان محور یادگیری قراردادده میشود و بعد از آن باید به یک سری شروح و حواشی و سایر کتب، رجوع نماییم. هنگامی که مشکلی برای شما به وجود آمد و نتوانستید به هیچ وجه آن را حل کنید، در این موقع باید به شروح و حواشی رجوع کنید و رجوع به شروح باید مسئله محور باشد نه اینکه از اول شروع به خواندن آنها کنید.

۲. غنی خواندن

۱. تأمین اهداف بینشی

۱. زندگینامه علمای آن علم

به عنوان مثال به هنگام خواندن کتاب صمدیه، خوب است زندگینامه نحویونی که نام آنها در کتاب برده می شود خوانده شود.

۲. کتابشناسی توصیفی

به عنوان مثال در درس صرف، لیست تمام کتب صرفی، توسط استاد استخراج شده و به اندازه اندکی در مورد هر کدام توضیحات ارائه شود تا حداقل آشنایی با آن کتب ایجاد شود.

۲. لمس عملی یک مکتب در حین تحصیل

این بخش در لایه ای که طلبه به تحصیل دروس فقهی می رسد، مهم است. مثلاً استادی که بر اساس سبک نجف درس را می دهد، می توان از تدریس او، مدل مکتب نجف را نیز یاد گرفت. چنین چیزی در کارگاه قابل آموزش نیست بلکه مثلاً در طی چهار سال تدریس، می توان از استاد، این مکتب را یاد گرفت.

۳. اشراب رویکرد مطلوب خود علم

به این معنا که جهت گیری اصلی و خوب این علم باید این باشد، هرچند ممکن است که در طی زمان دچار انحراف شده باشد.

البته این مبحث در اختیار طلبه نیست بلکه وابسته به استاد است!!!

- به عنوان مثال در مورد درس منطق باید بگوییم که رویکرد صحیح منطق باید رویکرد صدراپی اصولی باشد.
- در مورد درس احکام، می توان گفت: (بعضی می گویند) رویکرد صحیح بیان احکام به این صورت که حکم به همراه حدیث و روایت باشد مؤثرتر است یا اینکه گفته می شود که احکام منقطع از اخلاق است و اگر مرتبط تر باشد بهتر است.

۴. تطبیقات میان رشته ای:

مثلاً در نحو در مورد مذکر و مؤنث مباحثی مطرح می شود و در صرف هم چنین مباحثی مطرح می شود، حال اگر طلبه بتواند ارتباطات میان این مطالب را کشف کند و به هم بدوزد، می تواند به جمع بندی برسد.

هنگامی که طلبه از نزدیک با مباحث جزئی درگیر است می تواند به راحتی ارتباط میان آنها را کشف کند، اما وقتی زمان گذشت، فقط یک سری کلیات از این مباحث در ذهن انسان باقی می ماند که با این کلیات نمی توان ارتباطات را به خوبی کشف کرد.

۵. سه بعد غنی سازی کتاب

۱. کارهای تکمیلی (مستدرک نویسی کتاب)
ناظر به مباحثی است که در کتاب مورد مطالعه شما نیست و باید چاله های کتاب را پر کنید. به عنوان مثال در کتاب احکام، مباحثی مانند موسیقی مطرح نشده است.
۲. کارهای اقماری
به این معنا که کتاب مورد نظر تنه اصلی را دارد اما در کنار آن باید یک سری شاخ و برگ هم به وجود آورد. مثلاً هنگام مطالعه درس صرف، می توان به نقش صرف در تفسیر قرآن توجه کرد.
۳. کارهای امتدادی
یکی از کارها پاسخ به این سؤالات است که مثلاً: فلان درس را باید بخوانیم که چه بشود؟ یک سری کتب وجود دارد که پاسخ این سؤالات را داده است.

ب) بحث مصداقی پیرامون دروس

الف) احکام پایه ۱

کتاب مناسب برای لایه های مختلف به عبارت زیر است:

۱. قوی خواندن

۱. احکام عمومی، نویسنده آقای محمد وحیدی، نشر سنابل.
سه جلد است. جلد اول عبادات، جلد دوم مستحبات، جلد سوم معاملات. مجلدات اول و سوم بسیار مهم است.
۲. الاصطلاحات فی الرسائل العمليه، یاسین چی، چاپ جامعه مدرسین.
با کمک این کتاب می توان به اصطلاحات فقهی آشنا شد و به منابع اصلی رجوع کرد.
۳. عروة الوثقی، با حاشیه آقای مکارم، امام خمینی و ... (۴ نفر)، چاپ آقای مکارم.
۴. راهنمایای فتاوا، حجت الاسلام فلاح زاده؛ در این کتاب اختلافات احکام بیان شده است.
۵. کتب تخصصی احکام، مانند، احکام جوانان، بانوان، احکام وسواس، پرسش و پاسخ های دانشجویی (با موضوعات مختلف دسته بندی شده است) و ... حداقل خوب است با این کتب آشنا باشید تا بتوانید به دیگران معرفی کنید. یکی از موضوعات مهم وسواس است.

۲. غنی خواندن:

۱. درآمدی بر آموزش احکام، نویسنده: محمد وحیدی، نشر هاجر.
در این کتاب روش های یاد دادن احکام به دیگران بیان شده است.
۲. درآمدی بر فقه اسلامی، محمد وحیدی، نشر هاجر.
این کتاب هویت فقه، کتب فقهی، کلیدهای صحیح فهمی احکام و اهداف بینشی مباحثی را بیان کرده است.
۳. مردم و برداشت های از احکام، محمود اکبری.
در این کتاب برداشت های نادرست عموم مردم از احکام را جمع آوری کرده و پاسخ داده است.
۴. مسائل جدید از دیدگاه علما، نویسنده ... استفتائات مسائل روز با موضوعات پراکنده.

۵. حیلہ های شرعی و چاره های صحیح شرعی، نویسنده: آیت الله مکارم شیرازی. این یک کتاب بسیار مفید و خوب است.

۶. محرّمات و واجبات عملی و اعتقادی، نویسنده: آیت الله مشکینی، نشر الهدی. جالب این است که در این کتاب واجبات اعتقادی هم آورده شده است. کتاب وسواس آیت الله مکارم. راهکارهای عملی درمان وسواس آیت الله مظاهری.

ب) صرف:

۱. قوی خواندن:

۱. صرف کاربردی (آموزش پیشرفته صرف، دلالت یابی مفردات قرآن و احادیث)، عبدالرسول کشمیری، انتشارات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام. این کتاب دو جلد است که باید حتما تهیه شود و بسیار صرف را شیرین کرده است و همچنین قوی خواندن و غنی خواندن را با هم جمع کرده است.
۲. صرف جامع کاربردی (مغنی الفقیه)، مصطفی جمالی، نشر دارالفکر. کتاب فروشی دارالشفاء این کتاب را عرضه می کند. این کتاب نسبت به کتاب قبلی، قدری امروزی تر شده است اما کتاب قبلی آخوندی تر و عمیق تر است.
۳. درسنامه صرف، عرب خراسانی، نشر: دارالعلم. این کتاب به صورت فارسی است با تأکید بر شرح رضی بر شافیه و کتاب خوبی است.

۲. غنی خواندن:

۱. صرف روان با حدیث و قرآن: احمد امینی شیرازی. بوستان کتاب. دو جلد است. سطح دو آن فعل و اسماء مشتق است و سطح سوم آن در مورد اسماء است و سطح سه آن می تواند مفید باشد.
۲. شرح رضی بر شافیه. جزو بهترین های صرف است و شرح هایش هم همینطور است. رضی شیعه هم بوده هم از نظر استدلالی و هم از نظر زبانی خیلی قوی بوده. از دیگران باید در داخل کتاب های نحوی بگردید. مثل کتاب عباس حسن کافیه. یا شروح اشعار ابن مالک. آقای سامرایی: دوتا کتاب خوب در صرف داره یکی مبانی الالبینیه و بلاغه الکلمه.

ج) لغت:

۱. قوی خواندن

۱. تفسیر واژگان قرآن کریم، نویسنده فیاض بخش و روحی، مؤسسه جلوه نور، نشر تهران فردا فرد. در این کتاب واژگان قرآن را از جاهای مختلف جمع آوری کرده است.
۲. الدر النظیم فی تفسیر قرآن کریم، نویسنده: شیخ عباس قمی. کتاب خلاصه ایست که معانی لغات و الفاظ قرآن را بیان کرده است و خوب است که آنها را حفظ کنیم.
۳. درآمدی بر دانش مفردات قرآن، طیب حسینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. بخش زیادی از این کتاب راجع به الگوریتم اجتهاد لغوی است که در آخر هم به صورت مصداقی بر روی چند لغت وارد شده است. این کتاب بیشتر برای پایه ۳ مناسب است.
۴. فقه الغه، ملکی نهاوندی.

۲. غنی خواندن

۱. فن ترجمه، دکتر یحیی معروف، انتشارات سمت. ترجمه در فهم عمق معنا و انس با زبان عربی همانند زبان مادری می تواند مفید باشد.
۲. **قرآن آخوندی (بسیار مهم)**. طلبه باید یک قرآن که دارای حاشیه بیشتری باشد، برای خود اختیار کند، زیرا در کتب مختلف ممکن است به نکته ای برخورد کنید که این نکته در فلان آیه تأثیر دارد. به آن قرآن آخوندی خاص بروید و این نکته را ذیل آن آیه به صورت ریز اضافه کنید. به مرور زمان شما قرآنی خواهید داشته که مجموعه ای از نکات بسیار مهم از علوم مختلف است.

د) نحو:

۱. قوی خواندن

۱. الحدائق النديه فی شرح صمدیه، سید علیخان مدنی، نشر مهر بیکران.
۲. موسوعه الصرف و النحو و الغه، امیل بدیع.
۳. نحو روان با حدیث و قرآن، احمد امین شیرازی، جلد ۲، بوستان کتاب.
۴. بدایة النحو، صفایی بوشهری. بسیار کتاب خوبی است که در کنار صمدیه باید حتما خوانده شود. از نظر محتوا یک و ۷۵ صدم برابر نسبت به هدایه و صمدیه مطلب بیشتر دارد.
۵. زبان قرآن، نویسنده: حمید محمدی. دوره عالی تجزیه و ترکیب این مجموعه کتاب، برای سال اول خوب است.
مجله ره نامه.

۲. غنی خواندن

در خواندن نحو به طور کلی بعد از بررسی متوجه می شویم که ۵ سبک و رویکرد کلی وجود دارد که رویکردی که ما به دنبال آن هستیم، نحو خوانی حوزوی است. این پنج رویکرد و ویژگی های هر یک عبارتند از:

۱. رویکرد حوزوی

در رویکرد حوزوی جمع بین سه دسته دوتایی شده است:

الف) صناعت و معنا ب) اقوال و استعمال ج) تتبع و تحلیل

۲. رویکرد معنایی

معانی النحو فاضل سامرایی است. مشکل جدی اش این است: احساس می شود بعضی جاها حدسی وارد شده.

۳. رویکرد تحلیلی

حاصل بعضی از اصولیون است که سرریز کرده در نحو. برخی نیز متوجه نحو تحلیلی شده اند اما این کتب بعضاً مشتمل حرف های شاذ زیادی است که گاهی اوقات از استعمالات رایج دور شده اند.

۴. رویکرد تیسیری

در این رویکرد، با هدف ساده سازی نحو است و سعی در ساده سازی نحو داشته اند. این کتب برای اهداف عمومی مناسب است اما برای اهداف حوزوی مانند سم است.

۵. نحو غربی

علومى مانند زبانشناسی، نشانه شناسی و ... تأثیراتی در نحو گذاشته است که این رویکرد بسیار دور از اهداف حوزوی است. این کتب با رویکردهای غربی نوشته شده است.

کتاب مناسب غنی خواندن نحو:

۱. نقش علم نحو در تفسیر قرآن، جواد آسه، نشر مؤسسه امام خمینی ره.
۲. تأثیر علوم ادبی در فهم قرآن، محمد فلاحی قمی، بوستان کتاب.

۳. تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی، میرجلیلی، بوستان کتاب.
۴. الاقتراح، سیوطی در اصول نحو.
۵. تاریخ نحو، محمد الاسعد.
۶. در سی دی مؤسسه نور در مورد تاریخ نحو مطالبی بیان شده است.
۷. اصول نحو، مهدی جمالی، شمیم قلم. این کتاب بیشتر مباحث تاریخ علم نحو و این مقدماتش خوب است.
۸. تاریخ مطالعات زبانشناسانه مسلمانان، نشر سمت.

ه) منطق:

۱. قوی خواندن
 ۱. کتاب منطق ۲، منتظری مقدم.
 ۲. منطق کاربردی، خندان، نشر طاها.
 ۳. منطق شهید مطهری.
 ۴. معیار اندیشه، عسکری سلیمانی.
 ۵. مغالطات، خندان.
 ۶. منطق ۱ و ۲ آقای قراملکی، پیام نور.
۲. غنی خواندن
 ۱. منطق در آینه معارف ۱ و ۲، محمد ذوقی.
 ۲. معیار دانش، عسکری سلیمانی.

جلسه هشتم: کلیدهای مباحثه، تفکر، مطالعه و جزوه نویسی

Saturday, January 13, 2018

1:26 PM

کلیدهای مباحثه، تفکر، مطالعه و جزوه نویسی

عناوین کلی مباحث این جلسه:

۱. پنج مرحله روزانه تحصیل
۲. صیادی علمی
۳. مدیریت ثبت دانش

۱. پنج مرحله روزانه تحصیل:

۱. پیش مطالعه
۲. کلاس فعال

3. مطالعه و تحقیق
4. مباحثه
5. جمع بندی و تقریر

هر یک از این پنج مرحله حذف شود، در روند یادگیری خلل ایجاد می شود. البته هر یک از این مراحل، به تناسب این که طلبه در کدام لایه‌ی تحصیل، از کاربرد و تعمیق و اجتهاد حضور داشته باشد متفاوت است و این جلسه بیشتر ناظر به لایه کاربردی است.

۱. پیش مطالعه:

پیش مطالعه بسته به درس بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه کفایت می کند و در این مدت باید این کارها انجام شود:

۱. **وزن دهی به مباحث:** با قرائت روزنامه وار مباحثی که قرار است در آن جلسه خوانده شود، انس با آنها ایجاد شده و بدانید که کدام مباحث مهمتر است و کدام کم اهمیت تر هستند. کجا اشکال داشتید و کجا رو نفهمیدید.
 ۲. **ایجاد کارگاه پنهان حین تحصیل.** مثلا در خلال خواندن صمدیه با دقت صمدیه را اعراب گذاری کنید، البته با مداد به صورت کم رنگ. این کار را با علوم صرفی و نحوی که تا کنون یاد گرفته اید می کنید. در کلاس استاد دقیق متن را می خواند و شما کنترل می کنید و ایرادات و اختلافات را بعد از کلاس با استاد چک می کنید و بعد در مرحله مطالعه **علت اشتباهات** خود را کنترل می کنید.
 ۳. **خوداستادی:** به این معنا که خود را در مقام استاد قرار می دهید و فکر می کنید که قرار است این مبحث را تدریس کنید. بنابراین به صورتی درس را می خوانید که دیگر استاد، مطلبی برای شما نداشته باشد که بگوید. البته این سطح از پیش مطالعه در ابتدای کار و سالهای اول نباید انجام شود زیرا بسیار وقت گیر است (یک تا دو ساعت) و برای لایه های تعمیقی است.
- توجه کنید که معنای پیش مطالعه، خواندن یک شرح فارسی یا کتاب عربی ساده تر نیست، زیرا این کار باعث تنبل کردن ذهن طلبه می شود.

۲. کلاس فعال:

به علت استاد محور بودن تحصیلات حوزوی، این مرحله مهمترین مرحل تحصیل است و طلبه باید با سؤال و حضور ذهن وارد کلاس شود و به اصطلاح توانایی استخراج تمام اطلاعات استاد را داشته باشد.

در یک کلاس فعال باید هر یک از طلاب، متوجه مطالب مختلف باشند تا در مجموع بتوان کلاس فعال و مفیدی داشت. باید توجه شود که متکی به صوت کلاس ها نشوید، به این معنا که طلبه نباید بگوید که خوب بعدا صوت کلاس را گوش می دهیم و نکات دقیقی و بیشتری را ثبت می کنیم، اما آفت این روش این است که هنگامی که وقت طلبه تنگ شد و مشغله ها زیاد شد، دیگر فرصتی برای گوش دادن صوت جلسات وجود ندارد. البته در حد چند جلسه برای یک درس ایرادی ندارد اما نباید این یک روش رایج شود.

سر کلاس درس، **ایده ها و نکات** ارزشمندی در ذهن طلبه ایجاد می شود که باید حتما به سرعت ثبت شود تا بعد از کلاس به آن بپردازد و آن را فریه نماید. باید بعد از کلاس در حد چند دقیقه به این نکات فکر کرد و دقیقا آنها را ثبت نمود.

باید طوری خودتان را قوی کنید که چند وجهی باشید. انسان چنین توانایی دارد. یک نفر حواسش به ریزه کاری های کلام استاد است، یک نفر حواسش به ریزه کاری های کتاب است، یک نفر حواسش به اهداف بالعرض است، یک نفر حواسش به ایده های تبلیغی است و ... می شود سر کلاس چندین و چند نفر بود.

۳. مطالعه و تحقیق:

این مرحله، مرحله ایست که باعث ایجاد فاصله میان طلاب می شود. در این مرحله باید به سمت **تأمین اهداف دانشی** آن علم برویم. استاد خوب، استادی است که همه مطالب را نگوید بلکه باید در ذهن طلبه سؤال ایجاد کند و طلبه را آماده تحقیق و پژوهش نماید. در این مرحله، طلبه وارد مراحل قوی خواندن، مراجعه به شروح و ... می شود. به عنوان مثال در درس صرف، یک بار دیگر متن کتاب را مطالعه می کنید. این مطالعه باید بیش از یک و نیم ساعت باشد. سختش تقریباً دو ساعت و نیم. در زمان مطالعه بسته به اهمیت درس برای لایه های کاربردی، تعمیقی و اجتهادی وقت می گذارید. به منابع رجوع می کنید.

۴. مباحثه:

این سبک از تحصیل، مختص حوزه است. **روح مباحثه، تفکر به صورت بلند بلند است.** البته اهداف زیادی دارد اما این روح حاکم بر مباحثه است. زمان مباحثه باید حداکثر به اندازه زمان کلاس و حداقل به اندازه نیمی از زمان کلاس باشد. در زمان مباحثه نباید افراط کرد و تمام انرژی ۲۰ ساله را نباید به یکباره صرف کرد. این نکته و توصیه که می گویند در گروه مباحثه باید یک نفر قوی باشد یک نفر متوسط و یک نفر ضعیف. این رکن مباحثه نیست و می توان به چنین کاری، کمک به دیگران گفت. طبق احادیث به دست می آید که یکی از چیزهایی که کمیاب است، «**اخ فی الله**» است که می تواند یکی از مصادیق آن، یک هم بحثی باشد. البته در ابعاد دیگر هم چنین مطلبی اهمیت دارد مثلاً در مباحث سیاسی، فرهنگی و ... اخ فی الله باعث ایجاد همبستگی میان همفکران و انجام کارهای بزرگ توسط این افراد در آینده خواهد شد.

اهمیت مباحثه این است که **طلبه ها اطراف درس، گروه های متحد هم بحثی تشکیل دهند.**

نکته مورد اهمیت این است که هم بحثی ها باید دارای اهداف بلندمدت مشترک باشند. مثلاً یک نفر مخالف فلسفه است یک نفر مؤمن به فلسفه است، این دو نباید با هم همبحث بلند مدت شوند و یا کسی که می خواهد قاضی شود با کسی که می خواهد مجتهد شود. تشکیل گروه به صورت اجباری نیست بلکه باید به صورت خودجوش ایجاد شود. **گروه همبحثی باید با دغدغه مباحث درسی و علمی ایجاد شود.** چنین گروهی به کشف اساتید خوب می روند و حول استاد خوبی جمع می شوند و این باعث ایجاد انسجام بیشتر آن گروه می شود.

هر سال تحصیلی، از وسط سال، باید به فکر اساتید سال بعد باشید و با آن گروه به دنبال شناسایی اساتید خوب بروید. در مباحثه نباید همان حرف های استاد را دوباره تکرار کنید بلکه باید به صورت سؤال و جواب و اشکال کردن باشد. **بحث کردن، مرور کردن نیست** بلکه پخته کردن و فکر کردن پیرامون بحث است.

۵. جمع بندی و تقریر:

باید تمام مباحثی را که در ۴ مرحله قبلی کسب کردید دوباره جمع بندی کنید. البته این به معنای دوباره نوشتن نیست اما خوب است که اگر فرصت هست، تقریرنویسی نمایید زیرا این تقریرها و جمع بندی ها برای آینده تحصیلی شما بسیار می تواند مفید باشد. این جمع بندی می تواند در قالب نموداری باشد. نمودار باید بسیار منظم و گویا باشد و نباید خودش نیازمند توضیح باشد.

۲. صیادی علمی:

به این مرحله، **اصطیاد** می گوئیم به این معنا که باید بتوانیم در هنگام درس گرفتن از منابع آموزشی اعم از کتاب و استاد و ... موضوعاتی همانند کلیدهای تبلیغی، طرح بحث، پاسخ به سؤالات، ورود و خروج بحث، روش تدوین و نگارش متن و ... و روش تحقیق. مثلاً اگر شما از ارتباط با آقای جوادی، تحقیق را یاد نگیرید، از چه کسی می خواهید یاد بگیرید؟ با برگزاری کارگاه روش تحقیق به دست نمی آید بلکه باید از دل حوزه این موضوعات را کسب کرد. به عنوان مثال می توان از کتب موفق، روش چینش مطالب را فرا بگیرد.

برای این بخش از فعالیت علمی، **ذهن طلبه باید بسیار طبقه بندی شده باشد به این معنا که اطلاعات کسب شده را نظام بندی کنیم.** به این معنا که دغدغه های اصلی و فرعی با موضوعات مختلف از یکدیگر جدا شده و به هریک به صورت جداگانه پرداخته شود. هدف این است که ذهن طلبه -فارغ از اینکه این اطلاعات کجا ثبت می شود- طبقه بندی شده باشد. می توانید در مهمانی ها و ... رفتارهای مردم را تحلیل کنی و به یک مردم شناسی برسی.

اساتید مثال بسیار جالبی می زنند: می گویند که طلبه باید همانند بچه باشد. کار بچه بازی کردن است و این کار را -فارغ از اینکه کجاست، خانه، مهمانی، قبرستان و ...- انجام می دهد و بازی می کند. **کار طلبه هم فکرکردن است و فارغ از مکانش، باید همواره در حال فکر کردن باشد.** به عنوان مثال طلبه در حد تعادل می تواند فیلم و سریال هم ببیند اما در حین فیلم دیدن باید فکر کند. مثلا طلبه می تواند کارتون باب اسفنجی را هم ببیند اما فکر کند که **غرب، چگونه مبانی نظری خود را در قالب کارتونی جذاب به کودکان تزریق می کند؟** به عنوان مثال در حین تحصیل علم نحو با اصطلاحی همانند شاذ مواجه می شوید، شما باید آرام آرام به صورت تدریجی پیرامون این اصطلاح تحقیق کنید.

علت فعال نشدن اصطیاد علمی و ابعاد مختلف طلبگی چیست؟
علت اصلی آن تعطیل بودن مطالعه طلاب است. منظور از مطالعه در اینجا، مطالعه غیردرسی است. که یکی از انواع آن مطالعات مناسبتی است. مثلا در ایام دهه فجر در مورد انقلاب مطالعه کند و ... یک دسته از مطالعات، مطالعه پیوسته و روزی ۲۰ دقیقه روی یک کتاب خاص است.

۳. مدیریت ثبت دانش:

توجه کنید که نباید کاملا متکی به لپ تاپ و کامپیوتر شویم به این معنا که لپ تاپ جولان ذهنی را کم کرده و طلبه را تنبل می کند. زیرا قابلیت سرچ آن باعث تنبلی می شود. از چند رنگ مختلف استفاده کنید. هر بخش کتاب و دفتر را برای موضوعات مختلف قرارداد کنید. برای مطالب و نکات مختلف اشکال مختلفی را قرارداد کنید.

تجربه شخصی آقای بغدادی:

استفاده از دو رنگ خودکار سیاه و آبی. مطالب را با سیاه می نویسم. تیترو مطالب مهم با آبی و خط کشیدن زیر مطالب مهم. ستاره گذاشتن برای مطالب مهم و نوشتن لفظ بسیار مهم. به این ترتیب بعدا با مراجعه متوجه می شوید که هر قسمت کتاب چه میزانی از اهمیت را دارد. خودکار قرمز را برای تدریس قرار داده ام. مکان مطالب: مشخص کردن نقش یک کلمه در بالای آن کلمه یک مثلث کوچک گذاشته و داخلش مینویسیم فاعل معنای فاعل و جار و مجرور را با ج ج و بقیه نقش ها را قرارداد می کنیم. برای معنی، بدون هیچ علامتی یک کلمه می نویسیم که این یعنی مترادف آن. اگر بخواهم آن را توضیح دهم، یک مربع می کشم و داخلش چندکلمه توضیح می دهم. اگر توضیح بیشتر باشد مثلا ۱ با دایره می کشم و بالای کلمه و در حاشیه سمت چپ شماره را با دایره نوشته و توضیحات را می نویسم. اگر توضیح مفصلتر باشد و نموداری باشد سعی می کنم در همان کتاب گنجانده شود. که من پایین کتاب را انتخاب کرده ام. برای این مباحث علامت دایره داخلش یک و دو و ... یونانی را می نویسم. برای هر مطلب هم یک تیترو می گذارم تا موقع مراجعه متوجه شوم که بحث چیست. سؤالات خود را هم به این ترتیب که بالای مطلب مورد نظر یک علامت سؤال با شماره می گذارم و در بالای صفحه این سؤال را با شماره اش می نویسم. تحقیقات را باعلامت تیک می نویسیم و جای این هم بالای صفحه است. سمت راست کتاب فهرست نویسی در مورد محتوای کلی کتاب. کاری که خوب است در کتاب انجام دهیم این است که مقسم ها را به همراه زیر شاخه ها با علامات قراردادی مشخص کنیم. مثلا با دایره توپر، مقسم را مشخص می کنیم و زیرشاخه ها را با دایره توخالی مشخص می کنیم و زیرشاخه ها را هم با فلش مشخص می کنیم. این کار قراردادی است. قرارداد مرجع ضمیر به این صورت است که بالای ضمیر یک نیم دایره کاسه ای می کشم و عددی در آن می نویسیم و بالای مرجع ضمیر یک دایره کاسه ای برعکس می نویسم با همان عدد که نشان می دهد که مرجع ضمیر است. اگر یک پرونده هست، یک ایده هست، یک نکته یا اصطیاد و ... رو کوچک می نویسم. توجه باید حتی الامکان تمام مطالب را در کتاب بنویسیم و فارغ از جزوه باشیم. البته مطالب بسیار مفصل را باید در جزوه بنویسیم اما عمده مطالب را باید در کتاب بنویسیم.

جلسه نهم و دهم: جمع بندی عملیاتی

Sunday, January 14, 2018

12:47 AM

جمع بندی عملیاتی؛ زمان بندی کاربردی در مقام اجرا

دو دسته وظیفه ی کلان برای حوزه هست که یکی جنبه ی علمی دارد و دیگری جنبه ی تبلیغی است. علم و تبلیغ به معنای جامع و کاربردی که ایشان فرمودند.

تقسیم طلاب در فرمایشات مقام معظم رهبری در ترسیم حوزه ی مطلوب

یک پانزدهم برای اجتهاد فقهی

یک پانزدهم برای اجتهاد عقایدی

پنج پانزدهم به عنوان عالمان شهری

پنج پانزدهم برای تبلیغ داخل کشور

سه پانزدهم برای تبلیغ خارج از کشور

طبق فرمایشات ایشان تعداد زیادی از عالمان بزرگ شهری به مقام اجتهاد یا نزدیک به اجتهاد می رسند. لذا طبق این تقسیمات حدوداً ۲۰ درصد از طلاب باید برای اجتهاد تربیت بشوند. برای این تعداد از طلاب نیاز است یک سرمایه گذاری ویژه ای بشود. جلسات روش تحصیل عمیق حوزوی برای همین مطلب بوده است.

روش تحصیل های موجود مثل کتاب آقای عالم زاده برای اهداف عمومی است. لذا نیاز به یک روش تحصیل عمیق تر است. این روش تحصیل برای نخبه های علمی و کسانی است که قصد اجتهاد دارند.

تغییر نیاز به برنامه دارد. باید عادت به مطالعه کنید. با اساتید بزرگ انس بگیرید یا با سرگذشت این بزرگان. این مسئله را خیلی جدی بگیرید. این کار برای شکستن خودتون خیلی موثره. تغییر کردن رو در همین سال اول جدی بگیرید. تشکیل گروه های هم بحث و کنار هم قرار گرفتن چند گروه کنار هم. با اساتید و بزرگان مشورت بگیرید. اصول برنامه ریزی رو یاد بگیرید. کتاب آقای آقابزرگ تهرانی با اسم اهمال کاری. برخی کتاب ها هست.

تغییر عادت ها نیاز به مراقبه ی دائم دارد.

می توانید از صوت درس اساتید خوب به همراه کلاسی که دارید استفاده کنید. می توانید همزمان به موازات درس یا در ایام تعطیلی استفاده کنید. یا به جای نوار یا استاد اگر ضعیف است از طریق کتاب هایی که معرفی شده جبران کنید.

قلب کار پنج مرحله ی تحصیل کلاس فعال است. تمام تلاشتان برای جذب استاد قوی باشید. اگر نشد با کتاب و نوار کامل کنید. اصل این است که متن درسی را به عمیق ترین شکل و با بهترین استاد خواندن. همه ی تلاش های بعدی برای جبران قدم به قدم ضعف و خلل ها و مشکلات این مرحله است.

پیش مطالعه شما را هر چه بهتر برای کلاس آماده می کند. مطالعه و تحقیق، مباحثه و جمع بندی همه به این کمک می کنه. تا برنامه تغییر نکرده همین برنامه ی موجود را قوی پی بگیرید. کار هر سال را در طول همان سال انجام دهید. هیچ جای خالی برای کار سال قبل وجود ندارد.

پیش مطالعه : ۱۵ دقیقه
کلاس: یک ساعت
مطالعه و تحقیق: ۵۰ دقیقه
مباحثه: ۳۰ دقیقه

برای درس های اصلی باید تمام این مراحل را انجام بدین.

پیش مطالعه

در درس صرف در پیش مطالعه در ابتدا به صورت اجمالی بخوانیم ببینیم درس چی می گه. بعد مختصات این درس را در علم صرف ببینیم کجا است. شروع به خواندن تفصیلی می کنیم. می رسم به محتوا بعد دسته بندی می کنیم. و می توانیم نموداری کنیم. به ذهن مولف برسیم. و بعد ببینیم چطور می نوشتیم بهتر بود. بعد از مدتی این کار را یاد می گیرید. اگر چیزی نبود به کتاب های دیگر رجوع می کنیم. مثلا در صرف به کتاب صرف کاربردی آقای کشمیری.

کلاس

اول اینکه چون پیش مطالعه کردید بر هندسه ی درس مسلط هستید. اگر پیش مطالعه کرده باشیم مطالب مهم و کم اهمیت تر را متوجه می شویم. با پیش مطالعه ذهن حساس می شود. منتظری جایی که مشکل داری را استاد بگه اگر نگفت می پرسی. تاجایی که می توانید محتوی را در کتاب بنویسید. یک سیستم علامت گذاری برای مطالبی که می نویسید ایجاد کنید. صفحه را تقسیم بندی کنید. برای نوشتن در جزوه آدرس بدهید. مثلا ص فلان سطر فلان ر.ج شود به جزوه. بالای صفحه را به سوالات اختصاص می دهیم. پایین صفحه را به موضوعات اضافی اختصاص می دهیم و کناره ها را به مطالب دیگر. کلاس که تمام می شود باید کلی دغدغه و سوال وجود داشته باشه. که در صدد پاسخ به آن هستید.

مطالعه و تحقیق

قدم اول این است که بعد از کلاس در اولین فرصت بسته به فرصت یک بار متن رو سریع نگاه می کنی و کلی ایده به ذهنت می آد. هر چه زمانش نزدیک به کلاس باشد بهتر است. به این مرحله - که حاشیه هست - اولی هم نامیده می شود. در این مرحله می توان پرونده ها و نکات و ایده های به وجود آمده را ثبت و ضبط کنید. درس هر روز رو در همان روز مطالعه کنید و هر جا زمان کم آوردین قطع می کنید و از زمان روز بعد نزنید. این کاستی هارو در زمان هایی مثل تعطیلی آخر هفته جبران کنید. اگر نشد در مراحل دیگر. مطالب هر کلاس رو مرور کنید. بعد مطالب رو دسته بندی کنید و یک خلاصه ی خوبی از اون درس ها ایجاد کنید. سریع به سمت جزوه نروید. یک ایجاد جزوه نرید. یک چکیده ی حداقلی بنویسید بعد از مباحثه و ... جزوه را کامل کنید.

برای تحقیق هم اول باید فکر کرد. چرا استاد اینجا رو اینجوری گفت و خط دیگه رو اونطوری؟ مرحله ی اول در تحقیق این است که نقاط تعمیق پذیر درس را پیدا کنید. مثلا چینش هندسی مباحث. اینکه فلان پاراگراف را چرا اینجا آورده؟ سریع به سمت مطالعه کتب دیگه نرید. سعی کنید در گام اول کتاب رو بازنویسی کنید. با این نگاه.

یواش یواش تو این مهارت ها قوی می شید. مثل ورزش کردن. تربیت فکری و عقلی و علمی آرام آرام و قدم به قدم صورت می گیرد. با برنامه.

زمانی که سوالی یا دغدغه ای از دل کتاب ایجاد شد و حس کردید نیاز به مطالعه ی بیشتر است به کتب دیگه مراجعه می کنید. نه اینکه بگید ببینم کتاب های دیگه راجع به این موضوع چی گفته. اگر طبق قاعده پیش برید کلی دغدغه برای شما پیش می آید.

مباحثه

در مباحثه یک دور دیگه یک کلاس مترقی تر کوچک ایجاد می شه. کلاسی که مطالب ارائه شده و تحقیق های انجام شده ارائه بشود. اگر حرف های کلاس بد فهمیده شده رفع می شود. در مباحثه نطقتان علمی باز می شود و باعث می شود از نظر دادن نترسید. از دفاع نظرتون نمی ترسید. یاد می گیرید اخلاق مجادله و جدل داشته باشید. مباحثه مرحله ی یاد دانه.

سوالاتون رو حتما بنویسید. هر چی به ذهنتون می رسه بپزید بعد بنویسید. طوری باید بنویسید که اگر بعد از چند سال به این نوشته رجوع کردید در ۵ تا ۱۰ دقیقه به همه ی این مراحل دو سه ساعته ای که طی کردید برسید. مثال آیت الله خویی: یک غذایی رو قبلا پختید و گذاشتید توی یخچال، حالا فقط کافیه درش بیارید و زیرش رو گرم کنید.

بعد از سال اول باید به راحتی متن کتاب عربی ساده رو روان بخونید. به خاطر این که صرف یکی هست باید عمقشم بیشتر کنید. احکام دیگه انقدر قسمت مطالعه سنگین نیست. شاید هر روز مباحثه نخواد. بستگی به افراد داره. مثلا هفته ی یک بار یا دوبار یکی دو ساعت وقت بگذارید. چیزی که در احکام مهمه اینه که نگرش و رویکردتون رو نسبت به احکام ارتقاء بدین. مثلا با تحریرالوسیله همزمان با هر درس بخونید. باید عادت کنید رساله های عربی رو بخونید. در مطالعه و تحقیق. عروه کمی سخت تره. آروم آروم و قدم به قدم. احکام رو با رویکرد فقه بخونید. تا زمانی که ذهنتون در صرف و نحو درگیره ایده هاتون رو دقیق ثبت کنید.

یک پرونده درست کنید برای فهم دقیق آیات و روایات. یا در یک قرآن آخوندی بنویسید. به ترتیب آیات.

یک برنامه ی جدی برای علوم عقلی بریزید.

مجموع مباحثه و کلاس و مطالعه باهم ۱۰ ساعت بشه خوبه.

یک تعطیلی چند ساعته در طول هفته برای خودتون بگذارید. کار شما نباید آرامش و شادی شما رو تحت الشعاع قرار بده. این حس که دارید به سمت کمال دارید حرکت می کنید.

مراقبات تهذیبی رو جدی بگیرید. با وضو سر کلاس بودن. بصیرت علمی پیدا کردن یک موضوع دیگری است.

اهدافی که برای اون اومدین حوزه رو برای خود مرور کنید. نگذارید مشکلات رهزن شما بشود. شیطان حوزه بزرگتره.

جلسه یازدهم: برنامه تابستانی

Sunday, January 14, 2018

12:48 AM

یک مطلبی که نباید فراموش شود این است که هویت تابستان، استراحت است! استراحت هدف دار است. استراحت با نیت. کسی که در تابستان مفصل درس بخونه در طول سال مفصل استراحت می کنه.

نیازی نیست به اندازه ای که در طول سال زمان برای مطالعه می گذارید در تابستان هم بگذارید، روزی ۴-۶ ساعت.

درباره ی هویت تابستان می خوام سه تا مطلب عرض کنم:
مطلب اولش استراحت بود.

مطلب دوم: تابستان برای رفع نقص و مشکلات سال گذشته است. با همان اصول قوی و غنی خواندن. قرار بوده کل دروس سال رو قوی بخوانید با همون مولفه هایی که عرض شد. نتونستید برسید. می تونید تابستان نواقص رو رفع کنید.

مطلب سوم: یکی دیگه از اهداف تابستان نگاه به سال های بعد است. فرض نحو و صرف و ... رو خواندم. حالا چه توشه ای باید برای سال های بعد داشته باشم؟ به این مطلب باید در تابستان برسید. باید یک بسته ی نهایی از دروس در تابستان ایجاد کنیم.

تو تابستان یک سری کار ناظر به سال قبل داریم یک سری کار ناظر به سال بعد. کارهایی که ناظر به سال قبل هست کارهای اصلیه.

رفع اشکال ها
غنی کردن دروس
جمع بندی های توشه ای

در تابستان باید اهداف لایه ی قبلی رو به تمام معنی تامین کنیم. تثبیت کنیم و از حال به ملکه تبدیل کنیم. بعد بریم به مرحله ی بعدی. بعد از این ها به کارهای سال بعد می رسیم.

مطالعه ی جنبی

تاریخ
معارف انقلاب
عقاید اسلامی
اخلاق و سلوک عمومی
زندگی علما و شهدا

کتاب چهل تدبیر، آقای الفت پور، با همه ی جذابیت ها و فشرده گی اش بسیار مستند است. کتاب بازگشت از نیمه ی راه، نشر معارف.

در زمینه ی تاریخ کتاب زیاده. کتاب های نشر معارف و درسی دانشگاه و ...
درباره دشمنان اسلام. کتاب تاریخ آمریکا نشر هلال، رویای آمریکایی و ... تحولات ایران و منطقه و کتاب هایی درباره ی صهیونیسم و ...

در زمینه ی اخلاقی. آثار امام، آداب صلاه امام و سرالصله و ...
کتاب رسائل بندگی آقا مجتبی تهرانی، نشر مصابیح الهدی
کتابی با اسم مقالات که سه جلدی است، مبانی نظری و عملی تزکیه از آقای آیت الله سید محمد شجاعی.
المراقبات میرزا جواد ملکی تبریزی
زندگی علما بسیار لازم و ضروری است. خیلی به انسان انرژی می ده و امیدوار می کنه.

کتابهای ...

سیری در ساحل درباره ی حضرت امام از آیت الله مصباح

در محضر علامه طباطبائی

شمس الوحی تبریزی نوشته ی آیت الله جوادی

ز مهر افروخته کتاب خلاصه و جالب از نشر سروش

در محضر آیت الله بهجت

زمزمه ی عرفان از آقای ری شهری درباره ی آیت الله بهجت

ختمه مسک، نشر بین الملل،

حدیث دلتنگی

کتابهایی که نشر شمس الشموس درباره ی زندگی عرفا چاپ کرده /

کتاب سیمای فرزنانگان بوستان کتاب آقای رضا مختاری

گلشن ابرار نشر نور السجاد

کتاب درباره شهدا ...

کتاب هایی که روایت فتح چاپ می کنه

کتاب هایی که موسسه شهید ابراهیم هادی چاپ می کنه

کتاب های موضوعی که نشر قدر ولایت می زنه

صرف در تابستان

هر جا از کتاب صرف رو که نخوندید اول باید اونجاها رو بخونید.

باید جاهای مهمش رو جمع بندی کنید

کتاب صرف کاربردی آقای کشمیری، را حتما بخونید.

برای جمع بندی توشه ای کتاب صرف ساده و این کتاب صرف کاربردی رو باهم بخونید. اصل صرف ساده هست.

یه کتاب دیگه هم هست. صرف جامع کاربردی است از آقای جمالی. نشر دارالعلم.

کار کاربردی و عملیاتی را انجام دهید. تمرین ها رو حل کنید.

لایه ی تعمیقی صرف نیاز به دقت داره. چون صرف مربوط به سال اوله و یکبار بیشتر خونده نمی شه طلبه ها اغلب بهش نمی رسن. اینجا لازم است به بعضی کتاب های اصلی رجوع کنید.

غنی کردن صرف هم بسیار مهم هست. یک کار مهم ترجمه است. یعنی بتونید فعل های مختلف دقیق چه معنایی داره.

یک کار مهم در غنی کردن صرف کار بر روی لغت است. یک بعدش کار علمی قاعده است. چنتا کتاب معرفی کردم در جلسات. بسیار لازم هست که لغات قرآن رو کار کرده باشید.

کتاب بسیار خوب تفسیر واژگان قرآن، آقایان فیاض بخش و روحی. که لغات رو آوردن و معنا رو طبق تفسیر المیزان و مجمع البیان.

نحو

یک کتاب رو مرجع قرار بدین. مثلا صمدیه رو. یک دفتر مرجع قرار می دین. خیلی خوب است بدایه النحو رو کار کنید.

یک کار عمقی و یک کار سریع نحوی انجام بدین
مثلا کل آنچه بلدین رو روی سوره ی حمد پیاده کنید.
یک کار حجیم سریعی متنی خوانی است. بدون غلط و سریع متن عربی رو بخونید. مثلا بخش عربی صرف که اعراب نداره.

درباره ی احکام هم همچین

اون بخشی که توضیح داده شده رو گوش بدین.
با رساله های عربی ارتباط پیدا کنید. با رویکرد فقهی احکام بخونید.

انس با قرآن و حدیث و روایات

یکیش کارهای حجیم خوانی است. مثلا روزی یک جزء دو جزء. حداقل ۵۰ آیه.
یک سبک هم کار تدبری در قرآنی. با همان شیوه ی قوی خوانی و غنی خوانی بخونید.
یک سبک خواندن تفاسیر.
یک راه ورود از طریق لغت هست.

نظام روایات رو باید پیدا کنید

کار روی روایات هم بسیار مهمه. مجموعه ی میزان الحکمه آقای ری شهری که کل روایات شیعه رو در ۱۴ جلد جمع کرده. منتخبش دو یا یک جلد چاپ شده. موضوعات رو دسته بندی کرده و خیلی خوبه.

جلسه دوازدهم: علوم عقلی

Monday, January 15, 2018

11:19 PM

علوم عقلی

ظاهر فضای ذهنی مناسبی درباره ی علوم عقلی حوزوی واضح نیست. پس بهتر است حیطة و گستره ی علوم عقلی حوزوی و اهداف ویژه ی آن مشخص شود.

جای کار بسیار دارد. اینجا بحث در حد پایه ی اول ارائه می شود.

منظور از علوم عقلی در حوزه به طور ویژه می تواند شامل سه علم کلام، فلسفه و عرفان نظری باشد. کتاب کشف مراد که شرح علامه حلّی بر تجوید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی است. در برنامه رسمی حوزه بوده. کتاب های اصلی تر الان بدایه المعارف و بعد از آن کتاب محاضرات آیت الله سبحانی است. البته کتاب اصلی ایشون کتاب دیگه ای هست که ۴ جلدی است که خلاصه اش شده محاضرات. الإلهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل.

در فلسفه هم قدیم کتاب منظومه ملاهادی سبزواری رو می خوندن. اسفار هم بوده. بدایه و نهاییه علامه کتاب درسی فعلی حوزه است.

کتاب های عرفان نظری

تمهید القواعد

کتاب فصوص ابن عربی با شرح قیصری

کتاب مصباح الانس

اینها به صورت درسی خوانده می شده.

برنامه ی حوزه برای علوم نقلی کافیه اما برای علوم عقلی باید یک فکر مستقل کرد و یک برنامه ی جدی دیگه چید.

در سه سطح برنامه رو بیان می کنیم

یک برنامه ی عمومی با محوریت کلام

یک برنامه که با رنگ فلسفی می خوان کار کنند

یک برنامه با رنگ عرفان نظری

اهداف عمومی علوم عقلی در حوزه چیه؟

یکی برای قوی شدن اعتقادات خودمون. ناظر به خود و رشد خودش.
یکی برای رفع شبهات و دستگیری از دیگران و دفاع از دین. ناظر به دیگران.

اهداف اختصاصی

قوی شدن اعتقادات خودت. یعنی چی؟

کلام تبیین گزاره های اعتقادی دین است.

اینکه بزرگانی مثل شهید مطهری مثلا، ببینیم چه گفته است و چرا اینو گفته؟ کی گفته این نظر اسلام است و دقیقا از کجای اسلام بیرون آورده شده؟

و مرحله ی بعدی اینکه چگونه این گفته شده؟

اهداف ویژه ی حوزوی پیدا کردن این چرایی و چگونگی و یاد گرفتن اینها تا اینکه توان پیدا کند در موضوعات دیگر اجتهاد کند.

رویکرد فلسفی از سه جهت خاص تره

لزوما به درد همه نمی خوره.

کلام به تمام مسائلی که مرتبط با علوم اعتقادیه می پردازه. ولی فلسفه اینطوری نیست.

یکی دیگر فلسفه از جهت روش خاص تره. کلام از هر روشی (نقلی، عقلی، شهودی و ...) برای تثبیت اعتقاد استفاده می کنه ولی فلسفه فقط از ادله عقلی محض استفاده می کنه.

فقه المعارف. اینکه با آیات و روایات در صدد اثبات عقاید بر آییم.

کسی که می خواهد عقاید را عقلی یقینی عقاید رو بفهمه باید فلسفه بخونه. کار هر کسی نیست. روحیه و توان خاص خودش را می خواهد.

شما می خواهید چشمه ای بشوید که از شما علم بجوشه.

موسساتی هم هستند که کار فلسفی می کنند و مدرک می دهند.

به نظر بهترین روش اینه که همین ۶ سال رو طی ۶ سال بخونید. ولی علوم عقلی رو بکشید جلو.

مهمترین چیز در کلام و فلسفه استاد خوب است. مواظب باشید از تعادل خارج نشوید. همیشه باید کفه ی علوم نقلی سنگین تر باشه. چون علوم عقلی کشتش بیشتری داره.

اگر کسی به این نتیجه رسید که باید روی علوم عقلی کار کند باید بعد از منطق کار جدیش رو شروع کنه.

شرح حدیث ۲۴ را از چهل حدیث امام را حتما بخونید:

...

اما علومی که تقویت و تربیت عالم و روحانیت و عقل مجرد را کند، علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال، و علم به عوالم غیبیه تجردیه، از قبیل ملائکه و اصناف آن، از اعلی مراتب جبروت اعلی و ملکوت اعلی تا اخیره ملکوت اسفل و ملائکه ارضیه و جنود حق جل و علا، و علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها، و علم به کتب منزله و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح، و علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفصیل آنها، و بالجمله، علم به مبدأ وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن. و متکفل این علم پس از انبیا و اولیا، علیهم السلام، فلاسفه و اعظام از حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند.

و علومی که راجع به تربیت قلب و ارتیاض آن و اعمال قلبیه است، علم به منجیات و مهلکات خلقیه است، یعنی، علم به محاسن اخلاق، مثل صبر و شکر و حیا و تواضع و رضا و شجاعت و سخاوت و زهد و ورع و تقوی، و دیگر از محاسن اخلاق، و علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها، و علم به قبایح اخلاق، از قبیل حسد و کبر و ریا و حقد و غش و حب ریاست و جاه و حب دنیا و نفس و غیر آن، و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها. و متکفل این نیز پس از انبیا و اوصیا علیهم السلام، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارف اند.

و علومی که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آن است، علم فقه و مبادی آن، و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن، که متکفل آن علمای ظاهر و فقها و محدثین هستند پس از انبیا و اوصیا، علیهم السلام.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۲۹/۱۰/۱۳۸۲

فلسفه‌ی اسلامی فقه اکبر است؛ پایه‌ی دین است؛ مبنای همه‌ی معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است؛ لذا این باید گسترش و استحکام پیدا کند و بروید و این به کار و تلاش احتیاج دارد.

از کتاب مهر تابان
از علامه طباطبائی

شهید مطهری از علامه نقل کرده: در اسلام هیچ کس نتوانسته یک سطر مثل محی الدین بیاورد.

و